

یایا و ایلان شمش

اینها قرض است نه اصلاح ساختار

فتح‌الله املی

دیگر همه فهمیده‌ام که پاشنه آشیل کشور مشکلات اقتصادی است. اگر در تحریم این همه آسیب‌پذیر می‌شویم و به محض جلویگری از فروش نفت نمی‌توانیم کشور را به راحتی اداره کنیم و اگر همواره در کشور نوسان‌ها و تکانه‌های تورمی داریم، همه به خاطر وابستگی به نفت و عدم توجه به اقتصاد مقاومتی است و درست از همین نقطه اقتصادی بیشترین ضربه‌پذیری سیاسی نیز به وجود آمده است و به رئیس‌جمهوری دهمی مزاج و تاجر مسلک آمریکا هم این گستاخی را داده که بگوید: «ما فروش نفت آنها را محدود کرده‌ایم؛ نمی‌توانند مثل گذشته نفت بفروشند و لذا نمی‌توانند مقاومت کنند…» البته که جناب ایشان در زدن حرف مفت و بی پایه و اساس سابقه‌ای درخشان دارند و در خود آمریکا هم به چهره مشهوری در این باب تبدیل شده‌اند، اما روش مس‌گذاری ما هم به او در داد‌زدن به این توهم کمک کرده است و گر نه ما همین‌جا نفت خود را می‌فروشیم و این کشور هم نشان داده که قدرتمندتر از این حرف‌هاست. اما در اینکه باید برای این پاشنه آشیل اقتصاد، سیاست و حتی امنیت کشور فکری بکنیم، تردیدی نیست. سال‌ها پیش گفته است که با اهمیت این بی پرواه‌دم، ولی کاری نمی‌کنیم. بگذریم… از رومستان سال گذشته آثار بود که بودجه غیرنفتی تنظیم کنیم و قرار بود از آن تا تابستان آن را اجرا کنیم که این کار هم نشد. کار هم ظاهرآ چاره‌ای جز اکتفا به درآمدهای حاصل از فروش ۱۱ هزار بشکست نفت روز و رویتس و باید برای اختلاف با دولت فروش یک میلیون و ناصصد تا سیصد هزار بشکه فکری بکنیم. طرحی که پیشنهاد شده حسابی محل حرف دارد. دولت چهار روش برای تامین نیمی از کسری بودجه پیشنهاد داده است.

واگذاری و آزادسازی دارایی‌های دولت توسط وزارت اقتصاد، به میزان ۱۰ هزار میلیارد، استفاده از ۵۰ درصد موجودی صندوق ذخیره ارزی به میزان چهار هزار و ناصصد میلیارد، فروش اوراق مالی اسلامی ماراد قانونی بودجه ۳۸،۹۸ هزار میلیارد، برداشت از حساب مخصوص زن صندوق توسعه ملی، ۴۵ هزار میلیارد که مجموع این ارقام می‌شود ۹۷ هزار و ناصصد میلیارد تومان. دو رقم درشت این فهرست یکی فروش اوراق مالی یا همان اوراق قرضه است که ۳۸ هزار میلیارد تومان است، قرض همرا با سود است که دولت باید آن را سال بعد پس بدهد. یعنی ۴۵ هزار میلیارد می‌گیرد که سال بعد ۴۵ هزار میلیارد برگرداند. چگونگی: خدا می‌داند. ۲۵ هزار میلیارد هم از صندوق توسعه ملی است که قرار بود به آن به نهادهای دست تزئیم و با به‌عنوان سرمایه ایجاد کار و اشتغال و تولید به صورت وام بدون بهره را هم بهره به بخش خصوصی بدهیم؛ که استفاده از دو امکان، هم آینده‌فروشی به نوم‌تورداست و اصلاً مقصود از آن رهبری برای تغییر ساختار بوده و کاهش وابستگی و به نفت دست‌زدن به چنین اقداماتی نبوده است. بگذریم که بعید است دولت بتواند ۱۰ هزار میلیارد تومان با واگذاری و مودلسازی دارایی‌هایش پول به دست آورد.

البته دولت همین حالا هم سقف برداشت از صندوق توسعه و

فروش اوراق نمی‌تواند بیش از ۶۲ هزار میلیارد تومان باشد، در حالی که میزان کسری بودجه‌اش با توجه به تعیین درآمد ۳۰۰ هزار بشکهای نفت بالغ بر ۱۵۰ هزار میلیارد تومان خواهد بود که ۵۰ درصد این رقم می‌شود ۷۵ هزار میلیارد تومان که ۱۳ هزار میلیارد کسری نشان می‌دهد.

از طرف دیگر هنوز معلوم نیست ۵۰ درصد صرفه‌جویی در هزینه‌ها یعنی ۷۵ هزار میلیارد تومان صرفه‌جویی که رقم بسیار درشتی است، قرار است چگونه صورت گیرد؟ که میزان آن از این صرفه‌جویی مربوط به کاهش بودجه عمرانی است؟ یعنی دهم‌دستی‌ترین ردیفی که در همه دولت‌ها برای جبران بخشی از کسری بودجه مورد هجوم قرار گرفته است! سازوکار دولت برای تحقق این صرفه‌جویی چیست؟ چه هزینه‌هایی را می‌شود کم کرد؟ و اگر می‌توانستیم این‌همه صرفه‌جویی کنیم، چرا تا به حال اجازه چنین اسرافی را داده‌ام؟ گمان این بود که دولت محترم و نه اقتصاد ایران برای توجیه به مضایقی که ایجاد شده و اجباری که تحریم‌های ظالمانه آمریکا صورت داده و فرصت ناگزیری که برای نجات کشور از اصلاحات به وجود آمده و اصلاحات ساختاری در اقتصاد را تکلیف بزند که اقتصاد نظام پرداخت پارتانه‌ها، پوپوزه، پارتانه انرژی و سوخت که سالانه بالغ بر ۴۰ هزار میلیارد تومان توسط قاچاق به اقتصاد ملی ضرر می‌دهد، برقرار مالیات بپردازد و مالیات بر واردات، سرمایه، ایجاد بیهاد، مالیاتی جدید و جلوگیری از فرار مالیاتی، برقراری نظام دریافت مالیات از خروج سرمایه، مالیات مالیات املاک، درآمدی و درایی و مواردی از این دست به جراحی اقتصاد بیمار پردازد که ظاهراً قصد انجام چنین کاری را ندارد که در این صورت باید گفت اصلاح ساختاری اتفاق نخواهد افتاد.

موافقت و هبر معظم انقلاب با عفو و تخفیف مجازات شماری از محکومان

به مناسبت اعیاد سعید قربان و غدیر خم، حضرت آیت‌الله خاتمی با عفو یا تخفیف و تبدیل مجازات یکپهزار و هفتاد نفر از محکومان محاکم عمومی و انقلاب، سازمان قضایی نیروهای مسلح و تعزیرات حکومتی موافقت کردند.
حجت‌الاسلام والمسلمین رئیس قوه قضائیه به مناسبت فرا رسیدن اعیاد سعید قربان و غدیر خم در نامه‌ای به رهبر انقلاب اسلامی پیشنهاد عفو یا تخفیف و تبدیل مجازات یکپهزار و هفتاد نفر از محکومان را که پرونده‌های عفو آنان در کمیسیون عفو و بخشودگی بررسی شده و واحد شرایط لازم تشخیص داده شده‌اند، ارائه کرده که در پیشنهاد در اجرای بند ۱۱ از اصل ۱۱۰ قانون اساسی مورد موافقت حضرت آیت‌الله خاتم‌ای قرار گرفت.

انتصاب مدیر موسسه دایرةالمعارف فقه اسلامی بر اساس مذهب اهل بیت (ع)

حضرت آیت‌الله خاتمه‌ای در حکمی حجت‌الاسلام‌المسلمین حاج حسین نظری را به ریاست موسسه دائرة المعارف فقه اسلامی براساس مذهب اهل بیت(ع) منصوب کردند.
به این شرح است:
بسم الله الرحمن الرحیم
جناب مستطاب حجةالاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ حسن نظری دام اعزازه

درگذشت ریاست فقید دائرةالمعارف فقه اسلامی بر اساس مذهب اهل‌بیت علیهم‌السلام مرحوم سیدعلی خاتمه‌ای

معافیت و تخفیف مجازات شماری از محکومان

حجةالاسلام والمسلمین حائری ضایعی‌ای است که با تفصیلات الهی امیدواریم جبران گردد و این جناب عظیم علمی به افاضات و برکات خود ادامه دهد.
بدین منظور جناب‌عالی را که بحمدالله از نصاب علمی مطلوب و شایستگی اخلاقی و مدیریتی برخوردار است و ریاست این موسسه مبارک‌متصوب‌میکنیم.انتظار می‌روده که با استفاده از همکاری فقهایی برجسته و محقق و بحمدالله شایستگی خود را در آن موسسه اثبات کرده‌اند به تداوم برکات این شجره طیبه اهتمام ورزید و با رعایت انضباط در مقررات گوناگون، سلامت و نزاهت آن مرکز علمی را تأمین نمایند.توفیق جماعی و همکاران را از خداوند متعال مسئلت می‌نمایم.

سیدعلی خاتمه‌ای ۲۹ مرداد ۱۳۹۸

صدور مجوز تغییر کاربری در حریم ساحلی خزر ممنوع شد

که با دو ابلاغیه صریح به استانداران گیلان، مازندران و گلستان و انجام مکاتبات مرتبط با دستگاههای مسئول و متولی این ماموریت عملیاتی شده است.افزود: اولین اقدام اجرایی این بود که در درخواست سازمان زیرسی کل کشور به استانداران استان‌های ساحلی دریای خزر ابلاغ شد . به دستگاههای ذیربط اعلام کنند، تا اطلاع ثانوی هرگونه تغییر کاربری در شعاع محتمری دریای خزر ممنوع است.

جهانگیری: موانع تامین ۲۰۰دستگاه واگن قطار شهری کلانشهر ها، باید سریعتر بر طرف شود

و نقل شهری را ضروری ارزیابی کرد و گفت: نوسازی اتوبوس‌ها و تاکسی‌های درون‌شهری از اصلی‌ترین مسأله‌های گسترش حمل و نقل عمومی و زیرساختی شهری است و ضرورت دارد با توجه به شرایط کشور در این زمینه راهکارهای جدیدی دنبال شود.



شود. جهانگیری ادامه داد: یکی از دلایل افزایش استفاده از وسایل نقلیه شخصی، وضع نامناسب حمل و نقل عمومی است که در این زمینه نیاز اجرای راهکارهای جامع نوسازی ناوگان حمل و نقل که از سوی رئیس جمهوری ارائه شد، تسریع شود. وی حادته تصادفات اتوبوس دانشگاه آزاد و کشته شدن تعدادی از شهروندان و دانشجویان را هشدار می‌دهد و در زمینه فرسودگی ناوگان حمل و نقل عمومی دانست و از وزیر راه

به شرکت های ارائه ارائه دهنده خدمات تهیه و تا شهریه ماه به شورای اقتصاد ارائه شوددر این جلسه که وزرای اقتصاد و دارایی و راه و شهرسازی، حضور داشتند، گزارشی از نحوه مرتبط این مایان شهروید در زمینه رفع شهرداری ۱۱ بند ابلاغیه یکصدمین جلسه شورای کلانشهرها درباره تولید جذب فاینانس قطار شهری، واگذاری اوراق مشارکت به شهروندان و جذب کارکنان قراردادی و فوق العاده مترو شهرهای اصفهان، شیراز، تبریز و قم در شورای اقتصادی رفع شود.

سنجش‌های اروپا از دیپلماسی فعال ایران

و چگونه می‌شود در منطقه با همسایگان عادی سازی روابط داشته باشیم، این کرد: من طرفدار رابطه خوب با همسایگان هستم، اولین مقاله ای که وزیر شدم نوشتن در روزنامه الشرق الأوسط بود. وی افزود: صحبت ابر عبدالله زمانی که ولیعهد بود، به آمریکا‌ها در اوج روابط خود با بحرستان بیان کرد که «سر مار را ببرید. قدرت ایران به خاطر هژمونی نیست، دنیا هژمونی تمام شده و آمریکا دیگر نمی‌تواند هژمون نباشد، چیزی برسد به این که ما هژمون منطقه باشیم. حتماً احتمال هژمون بودن نیست و قدرت در دولت خارلمه نمی‌شود و هیچ قدرتی نمی‌تواند اقتدار قدرت داشته باشد که سیاست های قبیه را به رفع سیاست های خود تغییر دهد. ما باید برای روابط خوب با همسایگان تلاش کنیم. یک نابرابری در منطقه ما وجود دارد و این نابرابری داخل خلیج فارس بین بحرستان و قطر است، در منطقه بین یقیه و ماست. بالاخره ما یک عدم توازن داریم و این عدم توازن ذاتا ایجاد نگرانی می‌کند.

وی گفت: نیروی انسانی، جغرافیایی، منابع طبیعی ما...

را کنار هم بگذاریم یک قدرت واقعی است.

طرف افزود: وقتی آمریکا، ها می‌گویند صنایع مونشیکی ایران باید متوقف شود، ما می‌گوییم اگر می‌خواهید راجع به مونشیک صحبت کنید اول فروش تسلیحات را بفیلان است. و گفتگوی خوبی داشتیم که برای حفظ

برجام چه اقداماتی در صورت دهم. وی افزود: درباره امنیت منطقه گفتگوی خوبی داشتیم. ایران دارای بیشترین ساحل در خلیج فارس است و در یک طرف تنگه هرمز قرار دارد. معتمدیم تنگه هرمز باید برای همه امن باشد اما آمریکا جنگی اقتصادی را علیه ملت ایران آغاز کرده است.

وی همچنین با اشاره به جنگ یمن گفت: حقوق بشر در یمن با کشته شدن تعداد زیادی از غیرنظامیان در این منطقه نقض شده است.

هاوستی: نگاه فلالده به اینستکس مثبت است

وزیر خارجه فلالده هم در نشست خبری با هتادی

ایرانی اعلام کرد که این کشور برای ایفای نقش اتحادیه اروپا در برجام تمام تلاش خود را به کار خواهد بست.

«یک‌اوا دوست» گفت که مذاکرات سازنده‌ای با همتای

ایرانی خود داشته است. وی در پاسخ به سئوالی درباره نقش فلالده به عنوان رئیس دوره ای شورای اتحادیه اروپا در اجاری تعهدات برجامی ارائه گفت، اخیرا یک تعهد تازه‌ای از فلالده به تهران سفر کرد. البته با توجه به تحریم‌ها همکاری در این زمینه آسان نیست.

وزیر خارجه فلالده همچنین گفت: در زمینه نقش اروپا در حمایت از برجام در این زمان سخت سعی می‌کنیم تمام تلاش خود را به کار خواهیم بست.

وزیر خارجه فلالده گفت: اقدامات یکجانبه آمریکا محدود به این نخواهد ماند و شرکای اروپایی را هم هدف گرفته است.

طرف اظهار داشت: فلالده به عنوان رئیس دوره ای اتحادیه می‌تواند به اجاری هتاده هتاده ای و عادی سازی روابط تجاری ایران کمک کنند.باید در چارچوب برجام نیز تجار و فعالان اقتصادی انتظار و توقع بیشتری از اروپا داشته باشند.
فلالده در دارن: به مقابله با اقدامات یکجانبه و کاهش تاثیرات منفی اقتصادی آمریکا علیه ایران که مستقیماً به نفع آن بر مردم وارد می‌شود، راهکارهایی مانند افزایش تجارت و مالیات و استفاده از تعاملات چند جانبه در قالب ابتکارهای دوجانبه اینستکس، وجود دارد.

طرف همچنین در پاسخ به سئوالی درباره ایرانی آیا فلالده می‌تواند این رفع تنش بین ایران و آمریکا نقش مانیجی ایفا کند، فلالده بستر این کار وجود داشته باشد که می‌ماندچیزی موفق باشد. ایران علاقه‌ای به تقابل ندارد. مذاکرات مفصلی را با آمریکا داشته‌ام و هم مذاکره را ترک نکردیم. توافقی کسه همه آن را کامل بایانند وجود ندارد. موضوع مینجیگری باید این باشد که آمریکا‌ها با چگونه می‌توانند به همکاری بازرگانه و در تعهدات خود در چارچوب قطعنامه شورای امنیت عمل کنند که نه تنها

اخبار داخلی

رونمایی از ۳ زبان خارجی پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای



رئیس شورای راهبردی روابط خارجی ایران با بیان این که اظهارنظر ترامپ درباره عریستان خجالت‌آور است، گفت: این در حالی است که ایران به عنوان نمادی استقلال در جهان شناخته‌می‌شود. به گزارش مهر، سید کمال خرازی رئیس شورای راهبردی روابط خارجی ایران در مراسم رونمایی از زبان‌های روسی، اسپانیولی و فرانسوی پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای که در مؤسسه پژوهشی و فرهنگی انقلاب اسلامی برگزار شد، با بیان این که شرایط امروز با دوران جنگ تحمیلی چرخ کرده است، گفت: ما در دوران جنگ برای آنکه مظلومیت زرمندگان را به جهانیان برسانیم با مشکلات بسیار روبرو بوده‌ایم؛ امکانات امروز آن مقطع نبود. امکانات در آن دوران بسیار محدود بود؛ ارتباط اینترنتی وجود نداشت و ارتباط بی‌سیم هم محدود، برداشت و اخبار با سختی و محدودیت منتقل می‌شد اما در حد خود مؤثر بود.

زرمندگان انقلاب در صحنه رسانه و ابلاغ ایده‌های انقلاب به دیگران هستند.ضمن آنکه امروز فناوری نوین توسعه پیدا کرده‌است، بلکه بسیاری از کشورها به اثر انقلاب متحول شده‌اند. خرازی به سیاست‌های رئیس‌جمهوری آمریکا در قبال کشورهای دیگر پرداخت و افزود: اقتصاد کشورهای دیگر در آمریکا زرمندگان انقلاب ترامپ درباره عریستان



خجالت‌آور است و نتیجه وابستگی آنان خرازی با تأکید بر این که منفعخریم در برابر زورگویی‌ها، پاسخ خود را داده‌ام و پیروز شدایم. اظهار داشت: کسی در میخ‌لش نمی‌کنجد که بپاید آمریکا‌یی را سرنگون کنیم و آنها نتوانند عکس‌العملی نشان دهند و مجبور شوند آن را آزاد کنند.

رئیس شورای راهبردی روابط خارجی ایران در ادامه سخنان خود به اهمیت آثار مقام معظم‌رهبری پرداخت و گفت: سایت مقام معظم‌رهبری نقش بسیار مهمی می‌تواند داشته‌باشد و این موضوع هم به دلیل شخصیت ایشان است، در زمان زمامت رهبر انقلاب، استقلال و عزت کشور حفظ شد و قدرت دفاعی اقتدار یافته است؛ از این رو این شخصیت برای دنیا جایست دارد و دشمن به عزت ایران و بزرگان آن اذعان دارد و این یک واقعیت است.

وی با تأکید بر این که حساب امارات و کشورهای وابسته به آنها در منطقه هم به هر چارچوبی که کشورهای منطقه می‌تواند داشته‌باشد و مردم می‌تواند مؤثر باشد.

ربیی: دولت از بر خورد با تخلفات حمایت می‌کند

زیرمجموعماش چنین اتفاقاتی رخ ندهد و تکرار نشود.

سنجشگوی دولت درباره آخرین وضع روابط با کشورهای حاشیه خلیج فارس گفت: علامت خوبی را در برخی از کشورهای منطقه می‌بینیم که آن رابطه منع منطقه و مردم می‌دلم.

وی با تأکید بر این که برای ما حساب امارات

عریستان از آمریکا جداست، گفت: ما در یک منطقه هستیم و به هر چارچوبی که کشورهای منطقه امنیت را تأمین کند معتمدیم.

ربیی درباره ثبات قیمت ارز و بازار متشکل ارزی گفت: آقای منی در جلسه یکشنبه هفته قبل ستاد اقتصادی دولت، بحث بازار متشکل ارزی را مطرح کرد. این بازار مانند بازار بورس خواهد بود که در صرافان و بانک‌ها در آن عضو هستند و دولت آن دخالتی نخواهد داشت. این بازار به وسیله خود صنف شکل گرفته و هدایت می‌شود و به ما کمک می‌کند که در دوبری، کردستان عراق وهرات تأثیری بر وضع بازار از ایران نداشته‌باشند و وضع ارز متعادل شود.

وی با اشاره به تصمیم‌های موجود درباره آزادی بیان افزود: معتمدیم همه باید حرف خود را بزنند و پس از آن امنیت هم داشته باشند. اما اگر درجه آزادی ایران را با بسیاری از کشورهای دیگر مقایسه کنیم، نمره منم نداریم. لیکن نسبت به برخی از اعمال سلیقه در این زمینه و روندی که برخی افراد پس از سخنان خود دچار مشکل می‌شوند، قدارم.

سنجشگوی دولت تأکید کرد: قبول نداریم که در ایران آزادی بیان وجود ندارد و به برکت انقلاب و جمهوری اسلامی خیلی از مواردی که نسل‌های قبلی آزادی آن را داشتند نسل جدید آزاد قیام کنیم و همه تظاهر نظر خود را بدهیم و بیان کنند و پس از آن نیز امنیت داشته باشند. آنچه را که می‌خواهند بنویسند.

ربیی عنوان کرد: رسانه‌های مکتوب و چشم و گوش کشور هستند و باید آزادی بیشتری داشته باشند تا مسائل را مطرح کنند و نباید رسانه‌های خارجی مرع دریافت خبر شوند. هر چه تواتیم به رسانه‌های داخلی اعم از رسانه مکتوب و رسانه‌های که مسئولیت‌پذیر هستند آزادی بیشتری بدهیم ثبات و امنیت بیشتری تضمین خواهد شد.

وی همچنین درباره حضور زنان

در ورزشگاه‌ها گفت: الزام فقط فقط برای ما نیست؛ برای همه کشورهای عضو است و بر اساس قوانین موجود فیفا این موضوع مطرح شده است.

ربیی به بیان این که پروژه‌های اجتماعی مسالان خوش را دارد و باید این مسله را رعایت موازین و فرهنگ حل کنیم، اظهارداشت: با در نظر گرفتن دغدغه‌های مردم و نهادهای هماهنگی‌ها صورت می‌گیرد تا در دیدارهای ملی زنان حضور داشته باشند.

ربیی درباره اصلاح‌ا بودجه ۹۸ و اصلاح ساختار سازمان بهداشت: اصلاح ساختار بودجه برنامه دراز مدت است؛ نتایج دو جلسه که در این زمینه داشتیم که خدمت رهبر معظم انقلاب ارسال شد.

شمخانی: با فشار حداکثری آمریکا، به میز مذاکره هسته‌ای بر نمی‌گردیم



معتمد کسی که به دنبال بلودی اسرائیل است، محاکم کسری است و نتایج و واقعیت‌های همین را نمی‌بیند. آنها قدس را به عنوان پایتخت اسرائیلی به رسمیت می‌شناسند، آنها به دنبال پروژه «معامله قرن» هستند.

وی افزود: از نظر ایرانی‌ها، این تصمیم‌های همان چیزی را می‌خواهد

که همه روسای جمهوری پیشین آمریکا می‌خواستند یعنی کاهش نفوذ ایران.

شمخانی تأکید کرد: ایران تصمیم‌های خود را بر اساس سیاست آمریکا و این که چه

سعی رئیس‌جمهوری آن کشور است یا اینکه ترازو برای دولت رئیس‌جمهوری نخواهد بود، اتخاذ نمی‌کند.

وی گفت و فکر می‌کند که کارزار «فشار حداکثری» ترامپ به آغاز جنگ علیه ما می‌کنند؟

در زمینه یکی از اینها به روش بی‌اوی قرارداد امضا شده‌است. ۱۸۵ میلیون دلار هم در این زمینه سرمایه گذاری انجام می‌دهند و عمل کند ضمن آنکه اروپایی‌ها هم توسعه پیدا کرده‌است، بلکه بسیاری از کشورها به اثر انقلاب متحول شده‌اند.

خرازی به سیاست‌های رئیس‌جمهوری آمریکا در قبال کشورهای دیگر پرداخت و افزود: اقتصاد کشورهای دیگر در آمریکا زرمندگان انقلاب ترامپ درباره عریستان

سنجشگوی دولت گفت: این سیاستی است که نه ما برای کشورهای همسایه خواهیم برای این که به مردم فشار نیاید، انجام می‌دهند و این یک مداخله طبیعی است بنابراین هر اقدامی که زمینه سیاست مداخله در بازار از بودجه مسئولیت آن به عهده دولت است. ضمن آن که بانک مرکزی به صرافیه‌ها مجوز می‌دهد و می‌تواند ارز فروشد؛ بنابراین مجوز دست بانک مرکزی است و هر روشی بانک مرکزی اقدام کند آن مجوز تلقی می‌شود.

ربیی گفت: دولت از برخورد با تخلف حمایت می‌کند و مطمئن هستیم که آقای سیف و عراقچی سود و نفع شخصی نداشته‌اند و نفع بازار و با هدف کنترل بازار در آن مداخله کرده‌اند، اما نقد این سیاست که آیا درست بوده یا نه مرجع آن مشخص است.

سنجشگوی دولت در پاسخ به سئالی درباره اظهارات آیت الله محمد بزدی و پاسخ آیت الله آملی راجبانی به وی گفت: این مجادلات نه مسأله‌ای از حل‌ این که نه به نفع جامعه است و نه دردی از درد مردم را در شرایط فعلی درمان می‌کند. بنابراین موضوعی که در ارتباط با رئیس‌جمهوری باید شده تا از اختیارات است، می‌تواند به عنوان یک منتقد و نظر شخصی مطرح شود و نه بیش از این. جایگاه روحانی در میان مردم به رغم همه تبلیغات سسوه بدخواهان، از اهمیت زیادی برخوردار است. به ویژه در شرایط کنونی که به مایسد در کنار هم با بحران‌ها و سختی‌ها و کاستن از مشکلات و رنج مردم عبور کنیم، هرگونه مغلط و تباهی‌ه‌ای که این روند را خدشه‌دار کند، به صلاح نیست.

دستیار ارتباطات اجتماعی رئیس‌جمهوری در پاسخ به سئوالی درباره آزادی مردم به تئور دانشمندان هسته‌ای ابراز داشت: این اتفاق در دولت ما رخ نداده است؛ اطلاع‌ای از این پرونده ندارم، اما در گفتگوی‌های که این باره داشته‌م، متوجه شدم اظهارات از سوی افرادی انجام شده که درست هم بوده، ولی اعترافاتی که انجام شده که کار کارشناسی درباره آنها انجام نشده است.

ربیی اضافه کرد: کارشناس این پرونده‌ها، ضدجاسوسی نبوده است بلکه کارشناس حوزه دیگری بوده‌اند که در این پرونده کار کرده‌اند.

وی با بیان اینکه همان موقع هم از این

افراد دلجویی و علخرواهی شده‌است. بیان کرد: بنای این دولت آن است که در دستگاه‌های دبیر شورای عالی امنیت ملی گفت: ایران متع ترا می‌تواند نیست، بلکه عامل ثبات است و شهودی آن جان خود را فدا کرده و شهادهای تروریستی مانند القاعده و داعش را شکست دادند.

به گزارش ایسنا به نقل

از تئورینوز، یک شمخانی در مسامحیای با شبکه «ال. بی. سی نیوز» گفت که سیاست‌های آمریکا، ایران را به زانو در نخواهد آورد. به بیان دیگر، در حمایت از برجام در این زمان سخت سعی می‌کنیم تمام تلاش خود را انجام دهیم. وزیر خارجه فلالده گفت که مذاکرات سازنده‌ای با همتای ایرانی خود داشته است. وی در پاسخ به سئوالی درباره نقش فلالده به عنوان رئیس دوره ای شورای اتحادیه اروپا در اجاری تعهدات برجامی ارائه گفت، اخیرا یک تعهد تازه‌ای از فلالده به تهران سفر کرد. البته با توجه به تحریم‌ها همکاری در این زمینه آسان نیست.

وزیر خارجه فلالده همچنین گفت: در زمینه نقش اروپا در حمایت از برجام در این زمان سخت سعی می‌کنیم تمام تلاش خود را به کار خواهیم بست.

«یک‌اوا دوست» گفت که مذاکرات سازنده‌ای با همتای

ایرانی خود داشته است. وی در پاسخ به سئوالی درباره نقش فلالده به عنوان رئیس دوره ای شورای اتحادیه اروپا در اجاری تعهدات برجامی ارائه گفت، اخیرا یک تعهد تازه‌ای از فلالده به تهران سفر کرد. البته با توجه به تحریم‌ها همکاری در این زمینه آسان نیست.

وزیر خارجه فلالده همچنین گفت: در زمینه نقش اروپا در حمایت از برجام در این زمان سخت سعی می‌کنیم تمام تلاش خود را به کار خواهیم بست.

«یک‌اوا دوست» گفت که مذاکرات سازنده‌ای با همتای

ایرانی خود داشته است. وی در پاسخ به سئوالی درباره نقش فلالده به عنوان رئیس دوره ای شورای اتحادیه اروپا در اجاری تعهدات برجامی ارائه گفت، اخیرا یک تعهد تازه‌ای از فلالده به تهران سفر کرد. البته با توجه به تحریم‌ها همکاری در این زمینه آسان نیست.

وزیر خارجه فلالده همچنین گفت: در زمینه نقش اروپا در حمایت از برجام در این زمان سخت سعی می‌کنیم تمام تلاش خود را به کار خواهیم بست.

«یک‌اوا دوست» گفت که مذاکرات سازنده‌ای با همتای

ایرانی خود داشته است. وی در پاسخ به سئوالی درباره نقش فلالده به عنوان رئیس دوره ای شورای اتحادیه اروپا در اجاری تعهدات برجامی ارائه گفت، اخیرا یک تعهد تازه‌ای از فلالده به تهران سفر کرد. البته با توجه به تحریم‌ها همکاری در این زمینه آسان نیست.

وزیر خارجه فلالده همچنین گفت: در زمینه نقش اروپا در حمایت از برجام در این زمان سخت سعی می‌کنیم تمام تلاش خود را به کار خواهیم بست.

«یک‌اوا دوست» گفت که مذاکرات سازنده‌ای با همتای

ایرانی خود داشته است. وی در پاسخ به سئوالی درباره نقش فلالده به عنوان رئیس دوره ای شورای اتحادیه اروپا در اجاری تعهدات برجامی ارائه گفت، اخیرا یک تعهد تازه‌ای از فلالده به تهران سفر کرد. البته با توجه به تحریم‌ها همکاری در این زمینه آسان نیست.

وزیر خارجه فلالده همچنین گفت: در زمینه نقش اروپا در حمایت از برجام در این زمان سخت سعی می‌کنیم تمام تلاش خود را به کار خواهیم بست.

«یک‌اوا دوست» گفت که مذاکرات سازنده‌ای با همتای

ایرانی خود داشته است. وی در پاسخ به سئوالی درباره نقش فلالده به عنوان رئیس دوره ای شورای اتحادیه اروپا در اجاری تعهدات برجامی ارائه گفت، اخیرا یک تعهد تازه‌ای از فلالده به تهران سفر کرد. البته با توجه به تحریم‌ها همکاری در این زمینه آسان نیست.

وزیر خارجه فلالده همچنین گفت: در زمینه نقش اروپا در حمایت از برجام در این زمان سخت سعی می‌کنیم تمام تلاش خود را به کار خواهیم بست.

اطلاعات



بازگشت همه به سوی اوست

با اندوهی بیکران پرواز بی‌بازگشت مهندس حسین ستوده مدیر عامل شرکت ساختمانی اتاژ که همواره آرزومند همروزی و آبادانی ایران عزیز بود را به آگاهی می‌رساند. با قلبی آکنده از غم و درد، روز جمعه اول شهریور در مسجد جامع شهرک غرب از ساعت ۱۲ الی ۱۳/۳۰ بعداز ظهر یاد او را گرامی می‌داریم. همراهی بستگان ودوستان در مراسم یادشده را صمیمانه ارج نهاده، سپاسگزاریم. مهندس ساز ساز ستوده،دکتر پرویز ستوده، مهندس علی ستوده، ستوده، پروین ستوده، فرزانه ستوده خانواده‌های:ستوده، رضوی، پیران، حیدرزاده، معینی، حابری، دانشمند، توکلی، عطایی، بلور فروشان و سایر وابستگان



بازگشت همه به سوی اوست

بازگشت همه به سوی اوست

بازگشت همه به سوی اوست

بازگشت همه به سوی اوست

بازگشت همه به سوی اوست

بازگشت همه به سوی اوست

بازگشت همه به سوی اوست

بازگشت همه به سوی اوست

بازگشت همه به سوی اوست

بازگشت همه به سوی اوست

بازگشت همه به سوی اوست

بازگشت همه به سوی اوست

بازگشت همه به سوی اوست

بازگشت همه به سوی اوست

بازگشت همه به سوی اوست

بازگشت همه به سوی اوست

بازگشت همه به سوی اوست

بازگشت همه به سوی اوست

بازگشت همه به سوی اوست

بازگشت همه به سوی اوست

بازگشت همه به سوی اوست



یادبود

بعد از تو
بی ماه و مهر می گذردن از کنار ما
اما پشت دریاچه ها، در عمق سینه ها
خوشید قصه های تو، همواره روشن است

یاددوهمین سال خاموشی تک لبخند

یاددوهمین سال خاموشی تک لبخند

یاددوهمین سال خاموشی تک لبخند

یاددوهمین سال خاموشی تک لبخند

یاددوهمین سال خاموشی تک لبخند

یاددوهمین سال خاموشی تک لبخند

یاددوهمین سال خاموشی تک لبخند

یاددوهمین سال خاموشی تک لبخند

یاددوهمین سال خاموشی تک لبخند

یاددوهمین سال خاموشی تک لبخند

یاددوهمین سال خاموشی تک لبخند

یاددوهمین سال خاموشی تک لبخند

یاددوهمین سال خاموشی تک لبخند

یاددوهمین سال خاموشی تک لبخند

یاددوهمین سال خاموشی تک لبخند

یاددوهمین سال خاموشی تک لبخند

یاددوهمین سال خاموشی تک لبخند

یاددوهمین سال خاموشی تک لبخند

یاددوهمین سال خاموشی تک لبخند

یاددوهمین سال خاموشی تک لبخند

یاددوهمین سال خاموشی تک لبخند

یاددوهمین سال خاموشی تک لبخند

یاددوهمین سال خاموشی تک لبخند

یاددوهمین سال خاموشی تک لبخند

یاددوهمین سال خاموشی تک لبخند

یاددوهمین سال خاموشی تک لبخند

یاددوهمین سال خاموشی تک لبخند

یاددوهمین سال خاموشی تک لبخند

یاددوهمین سال خاموشی تک لبخند

یاددوهمین سال خاموشی تک لبخند

یاددوهمین سال خاموشی تک لبخند

یاددوهمین سال خاموشی تک لبخند

یاددوهمین سال خاموشی تک لبخند

یاددوهمین سال خاموشی تک لبخند

یاددوهمین سال خاموشی تک لبخند

یاددوهمین سال خاموشی تک لبخند

یاددوهمین سال خاموشی تک لبخند

یاددوهمین سال خاموشی تک لبخند

یاددوهمین سال خاموشی تک لبخند

یاددوهمین سال خاموشی تک لبخند

یاددوهمین سال خاموشی تک لبخند

یاددوهمین سال خاموشی تک لبخند

یاددوهمین سال خاموشی تک لبخند

یاددوهمین سال خاموشی تک لبخند

یاددوهمین سال خاموشی تک لبخند



ترحم

بعد از تو
بی ماه و مهر می گذردن از کنار ما
اما پشت دریاچه ها، در عمق سینه ها
خوشید قصه های تو، همواره روشن است

یاددوهمین سال خاموشی تک لبخند

یاددوهمین سال خاموشی تک لبخند

یاددوهمین سال خاموشی تک لبخند

یاددوهمین سال خاموشی تک لبخند

یاددوهمین سال خاموشی تک لبخند

یاددوهمین سال خاموشی تک لبخند

یاددوهمین سال خاموشی تک لبخند

یاددوهمین سال خاموشی تک لبخند

یاددوهمین سال خاموشی تک لبخند

یاددوهمین سال خاموشی تک لبخند

یاددوهمین سال خاموشی تک لبخند

یاددوهمین سال خاموشی تک لبخند

یاددوهمین سال خاموشی تک لبخند

یاددوهمین سال خاموشی تک لبخند

یاددوهمین سال خاموشی تک لبخند

یاددوهمین سال خاموشی تک لبخند

یاددوهمین سال خاموشی تک لبخند

یاددوهمین سال خاموشی تک لبخند

یاددوهمین سال خاموشی تک لبخند

یاددوهمین سال خاموشی تک لبخند

یاددوهمین سال خاموشی تک لبخند

یاددوهمین سال خاموشی تک لبخند

یاددوهمین سال خاموشی تک لبخند

یاددوهمین سال خاموشی تک لبخند

یاددوهمین سال خاموشی تک لبخند

یاددوهمین سال خاموشی تک لبخند

یاددوهمین سال خاموشی تک لبخند

یاددوهمین سال خاموشی تک لبخند

یاددوهمین سال خاموشی تک لبخند

یاددوهمین سال خاموشی تک لبخند

یاددوهمین سال خاموشی تک لبخند

یاددوهمین سال خاموشی تک لبخند

یاددوهمین سال خاموشی تک لبخند

یاددوهمین سال خاموشی تک لبخند

یاددوهمین سال خاموشی تک لبخند

یاددوهمین سال خاموشی تک لبخند

یاددوهمین سال خاموشی تک لبخند

یاددوهمین سال خاموشی تک لبخند

یاددوهمین سال خاموشی تک لبخند

یاددوهمین سال خاموشی تک لبخند

یاددوهمین سال خاموشی تک لبخند

یاددوهمین سال خاموشی تک لبخند

یاددوهمین سال خاموشی تک لبخند

یاددوهمین سال خاموشی تک لبخند

یاددوهمین سال خاموشی تک لبخند

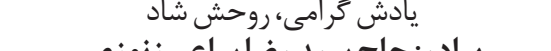


ای غائب از نظر بخدا می سپارمت

۳۰مردادماه صاف است با هفتمین سالگرد

در گذشت خواهر و مادری مهربان

مرحومه مغفوره شادروان



یادش گرامی، روحش شاد

برادر: حاج سید رضا ساعی نوزوی

فرزند: محمدعلی امانی نوز

دوازده سال از درگذشت

شادروان دکتر باقر

آیت‌اله زاده شیروازی

انسانی شریف و آزاده،

دانشمندی عاقلیدر،

عملی بزرگوار و چهره

ماندگار عرصه معماری،

حفاظت و مرمت آثار

تاریخی گذشت. یاد او را

همواره در خاطر زندنگه

خواهیم داشت. روحش شاد و نام نیکش پایدار.

از طرف همسر و فرزندان

از طرف همسر و فرزندان

از طرف همسر و فرزندان

از طرف همسر و فرزندان

از طرف همسر و فرزندان

از طرف همسر و فرزندان

از طرف همسر و فرزندان

از طرف همسر و فرزندان

از طرف همسر و فرزندان

از طرف همسر و فرزندان

از طرف همسر و فرزندان

از طرف همسر و فرزندان

از طرف همسر و فرزندان

از طرف همسر و فرزندان

از طرف همسر و فرزندان

از طرف همسر و فرزندان

از طرف همسر و فرزندان

از طرف همسر و فرزندان

از طرف همسر و فرزندان

از طرف همسر و فرزندان

از طرف همسر و فرزندان

از طرف همسر و فرزندان

از طرف همسر و فرزندان

از طرف همسر و فرزندان

از طرف همسر و فرزندان

از طرف همسر و فرزندان

از طرف همسر و فرزندان

از طرف همسر و فرزندان

از طرف همسر و فرزندان

از طرف همسر و فرزندان

از طرف همسر و فرزندان

از طرف همسر و فرزندان



تسلیت

فارغ التحصیلان سال ۱۳۳۹
دانشکده پزشکی دانشگاه تهران
خاموشی هم کلاسی خود دکتر غلامعلی بسکی را به خانواده آن همکار گرامی و جامعه پزشکی ایران وانجمن متخصصین زنان و زایمان تسلیت عرض می کنیم یادش گرامی باد.

فارغ التحصیلان سال ۱۳۳۹
دانشکده پزشکی دانشگاه تهران

سرکار خانم بهناز غفاری

بانهایت تأسف و تأثر مصیبت وارده را خدمت سر کار و خانواده محترم تسلیت عرض نموده، از درگاه خداوند متعال صبر و شکیبایی برای کلیه بازماندگان مسئلت می‌نمایم.

شرکت بی.ان.ام

محمد حسن مرادی

سرکار خانم بهناز غفاری

بانهایت تأسف و تأثر مصیبت وارده را خدمت سر کار و خانواده محترم تسلیت عرض نموده، از درگاه خداوند متعال صبر و شکیبایی برای کلیه بازماندگان مسئلت می‌نمایم.

همکاران شما در شرکت B.N.M

همکاران شما در شرکت B.N.M

همکاران شما در شرکت B.N.M

همکاران شما در شرکت B.N.M

همکاران شما در شرکت B.N.M

همکاران شما در شرکت B.N.M

همکاران شما در شرکت B.N.M

همکاران شما در شرکت B.N.M

همکاران شما در شرکت B.N.M

همکاران شما در شرکت B.N.M

همکاران شما در شرکت B.N.M

همکاران شما در شرکت B.N.M

همکاران شما در شرکت B.N.M

همکاران شما در شرکت B.N.M

همکاران شما در شرکت B.N.M

همکاران شما در شرکت B.N.M

همکاران شما در شرکت B.N.M

همکاران شما در شرکت B.N.M

همکاران شما در شرکت B.N.M

همکاران شما در شرکت B.N.M

همکاران شما در شرکت B.N.M

همکاران شما در شرکت B.N.M

همکاران شما در شرکت B.N.M

همکاران شما در شرکت B.N.M

همکاران شما در شرکت B.N.M

همکاران شما در شرکت B.N.M

همکاران شما در شرکت B.N.M

همکاران شما در شرکت B.N.M

همکاران شما در شرکت B.N.M

همکاران شما در شرکت B.N.M

همکاران شما در شرکت B.N.M

همکاران شما در شرکت B.N.M

همکاران شما در شرکت B.N.M

همکاران شما در شرکت B.N.M

همکاران شما در شرکت B.N.M

همکاران شما در شرکت B.N.M

همکاران شما در شرکت B.N.M

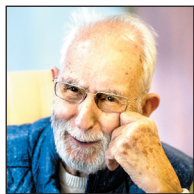
همکاران شما در شرکت B.N.M

همکاران شما در شرکت B.N.M

همکاران شما در شرکت B.N.M



شهرهای ایران باستان
از سپاهان تا نیشابور
۶



مقام علمی- فکری دکتر محمدعلی موحد
به روایت استادان
۴-۵



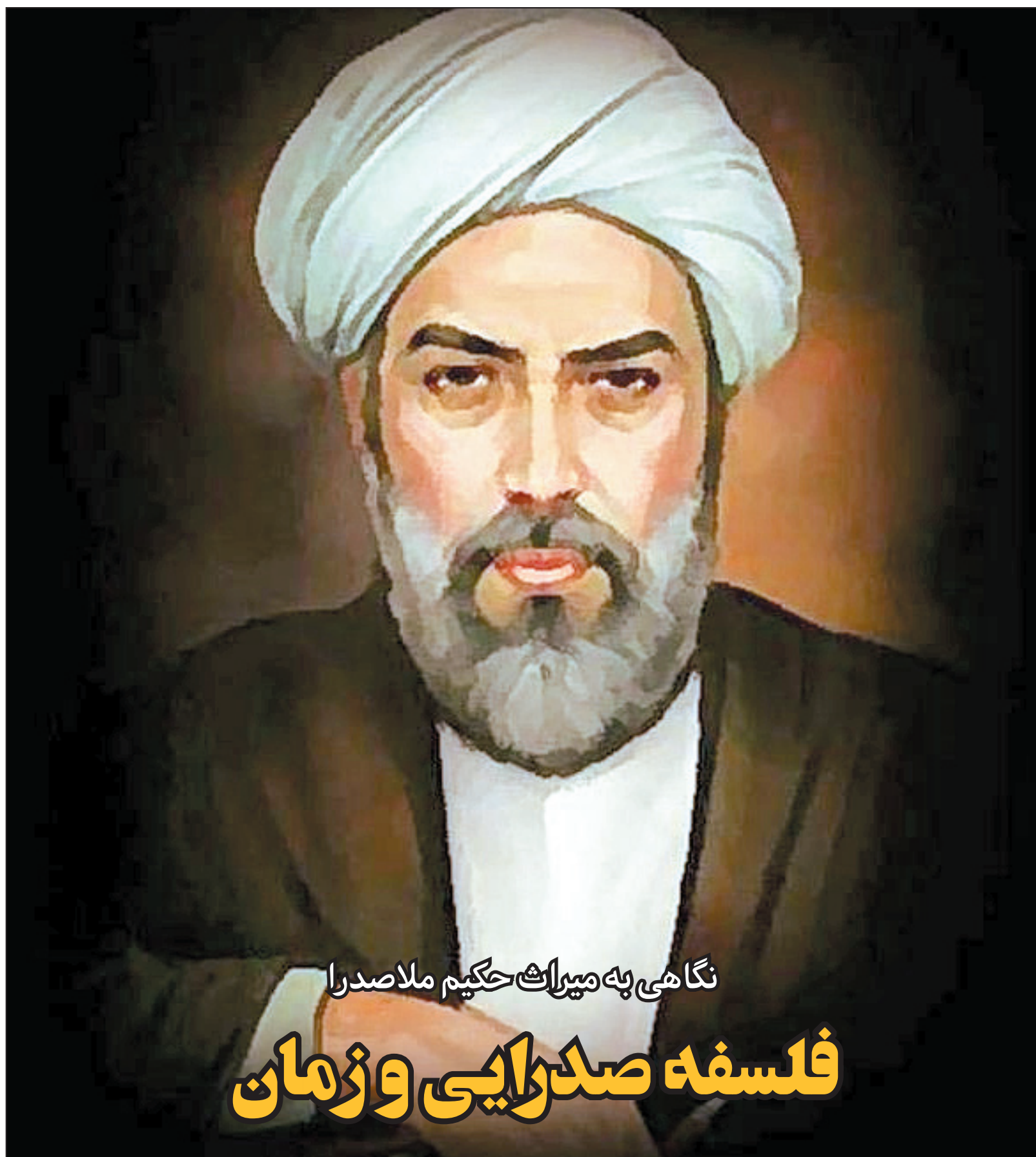
گودرز گودرزی (مجید)
سیمون وی؛ الهی‌دان فرزانه
۳



۴۱۱

ضمیمه فرهنگی روزنامه اطلاعات

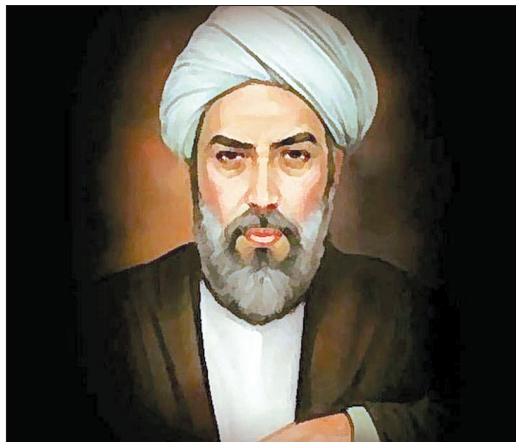
چهارشنبه ۳۰ مرداد ۱۳۹۸ - سال نود و چهارم - شماره ۲۷۳۵۹



نگاهی به میراث حکیم ملاصدرا

فلسفه صدرایی و زمان

فلسفه صدرایی و زمان



علامه طباطبایی (۱۲۸۱-۱۳۶۰)، اقلیم‌های فکری و حتی فرهنگی را زیر نفوذ و سیطره خود قرار داده است. در این تلقی، ملاصدرا را باید آخرین فیلسوف بزرگ مشرق و احیاءکننده حکمت دانست که توانسته است، با قامتی الهی و تألهی، حکمتی نو را بیافریند. از این چشم‌انداز «اسفار اربعه» مظهر حکمت متعالیه است و این حکمت، حکمتی است فاخر و مشتمل که علاوه بر مسائل شناخته شده، مسائلی جدید و نو پدید را نیز بر نظام فلسفه اسلامی و در مواردی فلسفه بشری افزوده است. از شناخته شده‌ترین مدافعان فلسفه صدرایی با این تلقی و این تفسیر، می‌توان از شهید مرتضی مطهری (۱۲۹۸-۱۳۵۸) نام برد که از زمان آشنایی خویش با جزء و کل حکمت صدرایی، به گونه‌ای مجذوبانه، آن را عصاره و زبده فلسفه اسلامی می‌دانست و طبق همین تلقی، نسبت به تدریس برخی از آثار صدرالمآلهین در جمع گروهی از شاگردان خویش اقدام نمود.

در برابر این دیدگاه، دیدگاهی قرار دارد که می‌توان آن را نگاه انتقادی و نوعاً سلبی نام نهاد. این نوع از نگاه به حکمت صدرایی، از زمان بدو و تکوین آن بوده و همواره به صورتی غیررسمی جریان داشته است. با گسترش و شیوع فلسفه‌های جدید و آشنایی عمیق‌تر ایرانیان با فلسفه‌های جدید، نگاه انتقادی به حکمت صدرایی و مجموع میراث فلسفه پس از دوران جدید، ابعاد و زوایای جدیدی به خود گرفته است. از نظر این طیف، حکمت صدرایی، مجموعه‌ای است عمدتاً متافیزیکی که از ترکیب جریان‌ها و اندیشه‌های تاریخی پیش از خود پدید آمده است: حکمت مشاء (اعم از مشاء یونانی و سینیوسی)، حکمت اشراق (اعم از اشراق افلاطونی و سهروردی)، کلام اسلامی (عمدتاً کلام اعتزالی و امامی) و در نهایت عرفان نظری و مبانی فکری محی‌الدین بن عربی، چیزی که در این تفسیر، روی آن تأکید می‌شود، عدم ارتباط ظاهری اندیشه‌های حکمت صدرایی با مبانی جدید انسان‌شناختی و جهان‌شناختی است. یا تثبیت فلسفه‌های اگزیستانسیالیستی و فلسفه‌های تحلیلی متأخر (خصوصاً نگرش‌های ویتگنشتاینی، نه لزوماً هایدگری) شکاف موجود، میان این دو نگاه و این دو تفسیر از حکمت صدرایی در حال افزایش است. در این میان، دیدگاهی وجود دارد که با ابتناء بر مایه‌های وجود شناختی موجود در فلسفه صدرایی و زمینه وسیعی که برخی از فلسفه‌های نو، در قلمرو معنا و معناترکی دارند، می‌کوشند اشتراکات موجود میان برخی از دلالت‌های معنانشناختی میان ملاصدرا و چهره‌هایی چون هایدگر ویتگنشتاین و اخیراً کواین را برجسته‌تر کنند: نوعی مطابقت‌یابی، میان آنچه فلسفه شرق و غرب را می‌تواند به همدیگر پیوند دهد.

روشن است که دآوری در این زمینه به فرض امکان و به فرض عدم مشکل بودن، از مجال این نوشته اشاری به وضوح خارج است اما چیزی که می‌توان در این میان بیان آن را قهری دانست، این است که: حکمت صدرایی، در نهایت، مجموعه‌ای است که اگر در چارچوب زمان و مکان و شرایط فرهنگی - فکری خود، اعم از شرایط سیاسی و اجتماعی مورد بررسی قرار بگیرد، می‌تواند، به عنوان نمونه‌ای از اندیشه‌های تاریخی - فلسفی با صبغه‌ای ترکیبی به شمار آید که در قلمرو خود، دارای رهاورد، ظرایف، برجستگی‌ها و ارزشهایی فکری و فرهنگی است. کوتاه سخن این که حکمت صدرایی، حکمتی است که لزوماً باید به گونه‌ای زمان‌محورانه مورد لحاظ قرار بگیرد؛ زمانی که در آن پدید آمده است با بررسی و ملاحظه تمام شرایط و واقعیت‌های آن و زمانی که زمانه بعد است و خود مشتمل بر زمانه‌هایی است متعدد، روشن است که شناخت زمانه، خود نیازمند مبنایی است که لزوماً فلسفی است و برخی از پایه‌های آن را باید در گذشته جستجو کرد: جایی که حکمت‌های گذشته، ریشه‌های خویش را از دل آن برگرفته‌اند و یافته‌های خویش را به آن بازگردانده‌اند.

• آرش تبریزی

محمدبن ابراهیم قوامی شیرازی، معروف به ملاصدرا، با لقب «صدرالمآلهین» - به معنای پیش‌تاز اهل تاله - یکی از نام‌آورترین چهره‌های عقلی و فلسفی در طول چهار قرن اخیر بوده است. وی در سال ۹۸۰ قمری زاده شده است و در سال ۱۰۵۰ در بصره، از دنیا رفته است. جز دو دهه نخست عمر، تمام یا اغلب پنج دهه پایانی عمر وی مصروف کوشش عقلی شده است؛ دوره‌ای به درس‌آموزی در نزد عالمان آن عهد، دوره‌ای به اندیشه در مسائل کلان کلام و فلسفه در قلمرو اسلام، دوره‌ای به تدریس در کانون عقلی اصفهان و بعدها شیراز و دوره‌ای نیز به تألیف و تصنیف. درباره مراحل زندگی وی، مسائل مختلفی مطرح شده است که به لحاظ تاریخی و عمدتاً سیاسی نیازمند مطالعات و بررسی‌های جدید و چند جانبه است. شک نیست که ایام حیات و دوران اقتدار و سطوت فکری صدرالدین شیرازی مقارن است با روزگار اوج و شکوه نخستین حکومت مستقل ایران، بعد از قرون نخستین اسلام، به دست صفویه.

این چهره فکری، در دوره حضور و سیطره صفویان زاده شد و در ایام استیلاء و تغلب آن خاندان نیز روی در نقاب خاک نهاد. عده‌ای او را بزرگ‌ترین دانشمند ایران در دوره صفویه به شمار آورده‌اند و این سخنی گزافه نمی‌تواند باشد. در عین حال، مناسبت‌های وی، در ساحت‌های اجتماعی و سیاسی نه تنها روشن نیست بلکه با ابهام‌هایی فراوان روبروست. زیرساخت‌های فکری و عقیدتی صفویان، به دلیل اقتدار نام و یاد این سلسله با اندیشه‌های شیعی و هویت دینی جدید ایران، هیچ‌گاه به درستی کاویده نشده است. با وجود اهمیت زایدالوصف این خاندان حکومتی، به نظر می‌رسد، جهت‌گیری مطالعات انجام شده در باب آغاز و پایان و اثرگذاری‌ها و اثرپذیری‌های این سلسله چندان که باید کامل و دقیق نبوده است. از این رو، با وجود اهتمام‌های فراوان در خصوص این سلسله، می‌توان گفت، به احتمال زیاد، ابهام‌های تاریخی، روی در تحلیل و گشودگی ندارند. یکی از مسائل مهم قابل بحث در باب صفویه، جهت‌گیری‌های علمی و فرهنگی است که بدون شک می‌تواند مهمترین حوزه قابل بحث در میان بررسی‌های مربوط به صفویه باشد.

امروزه، در هیچ یک از مطالعات فرهنگی و میان فرهنگی که حوزه‌هایی وسیع از رشته‌های گوناگون را در برمی‌گیرد، بدون در نظر گرفتن شرایط تاریخی و در ذیل آن شرایط سیاسی و اجتماعی نمی‌توان در باب جریان‌های فکری اظهار نظر کرد. به دیگر سخن، فکرها و اندیشه‌ها و شکل‌های مرکب و مجزای آن که در قالب ادبیات، فلسفه، تئوری‌های الاهیاتی، هنر و در مواردی مباحث معرفت‌شناسی ظاهر می‌شود، لزوماً با عصر و زمان خویش مرتبط است و هم از این رو، در ظرف زمانی خویش قابل تحلیل است. تحت هیچ شرایطی، نمی‌توان زمان را از اندیشه و سیر و تطور آنها منها نمود. از این روی، کسانی که بدون در نظر گرفتن مسأله زمان در مفهوم زمان تکوین و پدید آمدن فلسفه‌ها و اندیشه‌ها و حتی نظریات به ظاهر پراکنده و نیز زمانی که بعد از عصر حدوث خویش به هر دلیل و به هر نحوی مورد توجه و مطالعه قرار می‌گیرد، به ریشه‌یابی و رازگشایی می‌پردازند، در واقع در مسیری نامشخص گام می‌سپارند. چگونه می‌توان بدون لحاظ زمانی مسائل و وقایع، حکمی در باب آنها صادر نمود؟ چیزی که به این موضوع، حساسیتی بیشتر از حالت عادی می‌بخشد، تغییر زمان و پدید آمدن «زمانه» در مفهومی متفاوت است و زمانه‌هایی که گاه از بی هم، بدون ارتباط‌ها و اتصال‌های محسوس و قابل شناسایی، هویدا می‌شوند. در اینجا، به بداهت روشن است که مقصود از زمان، زمان در مفهوم فلسفی نیست. سخن از زمانی است که زمان فلسفی و حوزه فلسفه، خود در ذیل آن قرار می‌گیرد و اگر چنین نگوییم، زمانی مراد است که فلسفه‌ها، بعد از مرحله شکل‌گیری و در مقام بحث و ارزیابی و جایگاه‌شناسی، ناگزیر از آنند، زیرا در گذر از گذرگاه شناخت و ناشناخت که به مثابه پل زندگی و مرگ فلسفه‌هاست، کمتر فلسفه‌ای می‌تواند خود را از آن و حکمی که از دل آن برمی‌آید، بی‌نیاز بداند، یا خود را بر کنار و کرانه‌ای بکشد.

حکمت صدرایی، به عنوان یکی از جریان‌های فکری ایران زمین، در دوران متأخر، به لحاظ تاریخ جدید، با پایان دوران قرون وسطی و آغاز و طلیعه رنسانس مقارن و هم‌مرز است. هم‌چنانکه می‌دانیم، در برابر این حکمت، در مجموع، در طول این چهار قرن، عمدتاً دو مواجهه آشکار صورت گرفته است که حاصل صدها تلقی پیدا و پنهان، در جاهای مختلف و زمان‌های مختلف است ولی از آن روی که زمان حتی انسان‌ها و مکان‌ها را نیز زیر حکم خویش قرار می‌دهد، می‌توانیم گفت، این حکمت از زمان تدوین و تکوین خویش در فرایند زمان، همواره دو مواجهه را به خود پذیرفته است: مواجهه نخست را باید طیف‌پذیرندگان و دلدادگان این حکمت دانست که بعد از قرن دوازدهم روی در رشد داشته‌اند و بعد از ظهور ملاهادی سبزواری، کسی که در ترویج و تفسیر پارادایم‌های ملاصدرا یکی از محوری‌ترین نقش‌ها را ایفا کرده است، تقریباً، تا دوره معاصر و تا زمان

قلم‌انداز

اخبار ایران به روایت رویترز

تبریز در محاصره!

با توجه به رفتار روس‌ها کمتر از ۳۰۰ نفر نظامی در شهر حضور دارند. دیگران در بیرون شهر اردو زده‌اند؛ سربازان بی‌جواز، اجازه ورود به شهر را ندارند و در پی کسب چنین جوازی هم با انجام بازرسی می‌توانند وارد شهر شوند. مقررات سختی اعمال شده است تا در بازارها رفتار خوبی چشم‌نواز باشد و هیچ‌گونه تعرضی نسبت به شهروندان صورت نگیرد.

در یک مورد ژنرال اسنارسکی به خاطر زخمی کردن یک نگهبان، تنبیهی انتقام‌جویانه انجام داد و این اقدام فراتر از حدی بود که مسئولیت وی ایجاب می‌کرد. روش او اما در مدیریت شهر درست چونان گذشته است و روس‌ها اصلاً در آن دخالت نمی‌کنند و پیام تلگرافی مبنی بر این که آن‌ها اداره‌های آذربایجان را در دست گرفته‌اند شایعه‌ای غلط‌انداز و کاملاً نادرست است. شایعه‌های بازداشت ستارخان به دست آن‌ها هم - با همین توضیح - نادرست است. گزارش بازگشت ام‌هارت و یک به تهران، با منصوب کردن او به بلگراد بی‌هیچ درنگی انکار شد و من فکر می‌کنم تا زمانی که توافقنامه انگلیس و روسیه برقرار است، بازگشت او به تهران مانند بازگشت ام‌پوکیتونوف به تبریز ناممکن است.

جو اجتناب‌ناپذیر بدگمانی - تبریز را آبستن حوادث ناخوشایندی در آینده کرده است. انکار یک جناح سیاسی در روسیه - با اقتداری انکارناپذیر! - که زخم خورده و دشمن پیمان انگلیس - روسیه بوده است و هیچ علاقه‌ای به مشروطه در ایران ندارد، سیاستی زیان‌بار و بی‌ثمر است! واکنش‌ها در روسیه و سیاست «پیش‌رو» روسیه در ایران را در کنار هم باید دید. و اگر یکی - از دو روی این سکه - را دیدیم آن روی دیگر را هم خواهیم دید! این سیاست پیش‌رو نه تنها باید با پیمان‌نامه انگلیس - روسیه در ارتباط باشد؛ که باید نقش مهم ترکیه را نیز جدی گرفت! چه، منافع مرزی این کشور با روسیه - که از شمال به جنوب کشیده شده است - واقعیتی ست بسیار مهم. در این میان دوستان و عاشقان ایران تلخ‌کام از تجربه‌هایی - در جنگ قدرت - در گیر با پرسش‌هایی معماگونه‌اند و شاید فکر کنند:

آیا از مشروطه می‌توان انتظار داشت که نتایج سریع اولیه را به ارمغان بیاورد؟ نتایجی پیشکش به دو دولت بیگانه است که دو ملت را - با تفاوت‌های زیادی - نمایندگی می‌کنند و مشروطه پیشکشی به آن ملتی است که نتوانسته است خود به چنین چیزی دست یابد. اکنون ایران در بوته آزمایشی است که ما به آن تعهد داریم و هر نتیجه‌ای که برای ایران داشته باشد، از نگاه ما بهتر از یک حکومت بلشویکی است. خطری که در این میان به چشم می‌آید این است که: این رخداد شاید سرانجام به چیزی شبیه به بلشویک انجامد. آیا نمی‌توان به خط سومی هم اندیشید چنان که سرانجام کشوری مسلمان - که از خود ظریت بالای مشروطه‌طلبی نشان داده و آزادی خود را به دست آورده - با روش قانونی با انگلستان و روسیه همکاری کند! و این جنگ و کشمکش با دشمنی دیرینه‌ای که میان شیعه و سنی پدید آورده از بین برود.

اکنون حس تازه‌ای از همبستگی در جهان اسلام جوانه زده است که در مقایسه با اسلام یک قطبی که ساخته و پرداخته عبدالحمید است، بهتر و در حال پیشرفت است. من از سیاست ماجراجویی در ترکیه حمایت نمی‌کنم روزی را اما می‌توان پیش‌بینی کرد که انگلستان و روسیه به خوبی این کشور را به سوی گفتگوی دوستانه ببرند. این‌ها همه همان نقطه سر خط و یک آغاز است. و در آن افق روشنی‌ست که ارزش فکر کردن را دارد.

همیشه آن «جبهه‌ای پیروز است که سربازانی شجاع‌تر و طبل‌هایی پرتین‌تر دارد!» این، پیش‌بینی خبرنگار ویژه تایمز در تهران از سرنوشت بختیاری‌ها در جنگ با نیروهای سلطنت‌طلب است. هر که شرح محاصره تبریز را - با آب و تاب - خوانده است، توان نظامی ارتش ایران را همانند خبرنگار موقت ما ارزیابی می‌کند؛ که خود دستی در آتش جنگ داشته و از غنائم نیز بی‌نصیب نمانده است. بهار گذشته درباره نیروهای مشروطه‌خواه تبریز و نیروهای شاه در خارج این شهر، بسیار شنیدیم.

ادامه دارد



کودرز گودرز (مجید)

یک جمله کوتاه چند واژه‌ای هم زورش می‌رسد که آدمی را به سمت و سوی جا و مکانی یا شخصی سوق دهد که برایش ناآشناست. حتماً که نباید تلی از کتاب و دفتر را پیرامون خود گردآورد و روز در میان آن‌ها چرخید. نه! یک جمله یا یک تک‌بیت هم بسنده می‌کند و تو را ترغیب و برانگیخته، صدا بته به‌شرطی که آن تک بیت یا جمله کوتاه چند واژه‌ای، به راستی نقش خود را در ذهن و دل آدمی، بازی کند. برای نمونه این جمله را بخوانید:

– در حقیقت، خدا در جست‌وجوی انسان است، نه انسان در جست‌وجوی خدا!

چون با سخن بالا روبه‌رو شدم، شور دانستن این‌که آن‌را چه کسی گفته و جودم را دربر گرفت؛ و این‌که آگاهی هرچند اندکی از چند و چون زندگی او – که یک چنین جمله‌ای را بیان داشته و نوشته است – به‌دست آورم.

باری! داشتم درباره‌ی عشق خداوند به انسان و عشق انسان به خداوند مطالعه می‌کردم برای تکمیل نوشتار «شیخ رجب‌علی خُیا؛ آگاه عارفی بدون من»: تا پیش از گذشته بدانم که این انسان است که معشوق پروردگار است، پیش از آن که انسان عاشق پروردگار باشد! که ناگهان با همان جمله بالا و مورد اشاره برخورد کردم. شگفتا! چه کسی آن را گفته است؟ آیا از شطحیات «بایزید» یا «حسین حلاج» نیست؟ خداوندام و شنیده‌ام که باید به «گفته» توجه کرد و نه به «گوینده». اما نه این‌که گوینده هم کم مهم نیست! آخر جمله‌ای که دل تو را نوازش می‌دهد و روان تو را شادمانه به آسمان‌ها می‌کشد و تو را – برای لحظه‌ای هم که شده – از دغدغه‌های دنیای دور می‌کند، می‌بایست از ذهنی روشن و دلی شفاف بیرون آمده باشد. آیا نباید با صاحب و دارنده‌ی آن ذهن ژرف و دل فراخ آشنا شد؛ تو بگو حتّاً به اندازه‌ی مُشتی از خروار؟

اینک بیایید با هم اندکی با «سیمون وی» آشنا بشویم. همان کسی که گفته است این خداوند است که در پی «انسان» می‌گردد. دیدگاه یک دختر یهودی‌نژاد که سپس به مسیحیت کاتولیکی روی آورد و هرگز به کلیسا و نموده‌ای آن نجسبید، آدمی را به یاد این حدیث قدسی می‌اندازد که: «کنت کنزاً مخفیاً. فأُجِبتُ آن أعرف. فخلقت الخلق لکی أعرف» من گنج پنهان بودم. دوست داشتم که آشکار شوم. پس خلق را آفریدم تا شناخته شوم.»

این سیمون وی پارسی بود؛ زاده‌ی شهر پاریس فرانسه. در سالی که سده‌ی بیستم میلادی تازه شروع شده بود: ۱۹۰۹. سده‌ای پر تلاطم و موج و نارام که دو جنگ بزرگ جهانی در آن پدید آمد. سیمون برخلاف برادرش «آندره» – که دل بسته‌ی جهان ریاضیات بود و از ریاضی‌دانان سرشناس سده‌ی بیستم گردید – خود را در دنیای هنر و فرهنگ و ادبیات و تاریخ و فلسفه و عرفان افکند و در کنار آن هیچ‌گاه از اخلاق و ایشخوورهای اخلاقی و انسانی دور نماند. دامنه‌ی مطالعات و پژوهش‌های او فراخ و گسترده بود. زیرا او چارچوبی برای دانستن قایل نبود. پس به آموختن زبان‌های چندی پرداخت: لاتین، یونانی، سانسکریت و چند زبان امروزی. این‌ها را از چه سنی آموخت؟ از ۱۲ سالگی. تاریخ و فلسفه مقوله‌هایی بودند که توجه او را جلب نمودند؛ «افلاتون» از فیلسوفان مورد پسندش بود و نیز «کارل مارکس». ولی به هیچ‌روی روی مارکس درج‌انزد و از او دیدگاه‌اش عبور کرد. سپس به شناختن دین‌ها پرداخت. «هندوئیسم» و «بوداییسم» از دایره‌ی مطالعاتی او بیرون نبودند. دست از تورات و یهودیت شُست و مسیحی گشت. ولی نه مسیحی‌ای کلیسایی و پاپ‌مداری.

سیمون وی؛ الهی‌دان فرزانه



سیمون می‌زدند! – او عمل‌گرایی بود که رفت و کارگر شد و از نزدیک – با پوست و گوشت و جانش از رنجی که زحمتکش‌ان می‌بردند، آشنا شد و شریک رنج‌شان گشت. این از گفته‌های اوست: «ما باید نه در پی رهایی از رنج و محنت و نه در جست‌وجوی کاهش آن باشیم؛ بل باید با بهره‌مندی از آن، خدشه‌ناپذیرتر باقی بمانیم.»

دیگر یار به تدریس پرداخت. سیمون وی چنان پرهیزگار و از عزّت نفس والایی برخوردار بود که بیش‌تر حقوق و درآمدش را خرج کارهای خیریه می‌کرد و نیز فعالیت‌های سیاسی؛ برای اصلاح و بازسازی امور. نیز از گفته‌های اوست: «بت‌پرستی واقعی و تمام عیار چیزی نیست جز: آزمندی و ولع به متاع دنیا، شخص‌پرستی، نژادپرستی و قوم‌پرستی و خود را قوم برگزیده دانستن.»

در سال ۱۹۳۶ بود که ناگهان سیمون وی را در رخت رزم و جنگ دیدند؛ کجا؟ اسپانیا! او که تا پیش از آن، کنش‌گری صلح‌طلب و اُشتی‌جو بود؛ و به خاطر تقدّس‌اش «قُدّیس» اش خواندند، حالا اسلحه به‌دست گرفته و به سود جمهوری‌خواهان، علیه فاشیست‌ها می‌جنگد. او در این نبردهای داخلی، جان بدر برد.

در آستانه‌ی ورود به ۳۰ سالگی بود که رسماً تغییر دین داد و کاتولیک شد. یک مسیحی کاتولیک بی‌کلیسا. مؤمنی مسیحی و دل‌باخته‌ی «عیسا» که کلیسا و سران کلیسا را مورد نکوهش قرار می‌داد و از رفتارهای مُزورانه و رنگ‌رنگ کلیساوها و پدران روحانی و بازجویی و تفتیش اندیشه‌ها و مانند آن ایراد می‌گرفت و خرده‌گیری می‌کرد. برداشت و دیدگاه ریزبین سیمون وی از مسیحیت، متفاوت و ناهمسان بود با آن چیزی که مسیحیان و کلیسای کاتولیک، سده‌های چندی رواج و گسترش داده بودند. زیرا عمیقاً دریافت که «بسیاری از بی‌دینان از عالمان الهیات به دین نزدیک‌ترند.» از این‌رو می‌گفت: «باورمندی به خدا تصمیمی نیست که بتوانیم اتخاذ کنیم. همه‌ی آن‌چه که می‌توانیم انجام دهیم آن است که تصمیم بگیریم عشق‌مان را تسلیم خدایان دروغین نکنیم.» او کوچک‌ترین اعتنایی به این‌که کاتولیکش نمی‌خواندند نمی‌کرد. هم‌اینک نیز هستند کسانی که «وی» را کافر کاتولیک می‌پندارند. ناگفته پیداست که سیمون وی دین و آیین راستین را دین عارفان می‌دانست و بر این باور بود که «مسیحی راستین هرگز کسی را که به هموعش عشق می‌ورزد، تکفیر نمی‌کند.» او «عشق» و «معرفت» را دو بال برای پرواز به سوی پروردگار – و خدایی شدن – می‌شمرد؛ دو بالی که جداناپذیرند.

سیمون وی روشنفکر و فیلسوفی همیشه خداباور بود. چنان که شماری او را میانجی و واسطه‌ای بین اندیشه‌ی دینی و فلسفی دانسته‌اند. درستی این سخن را می‌توان در نوشته‌های او دید که چگونه ناهمسانی‌های بین دین و فلسفه را کم‌رنگ و گاه بی‌رنگ می‌کند. همه‌ی کارهای او تلاشی است برای بازیابی بافت

ارتباطی بین همه‌ی رشته‌ها، بین فرهنگ و طبیعت، علم و هنر و خدا و انسان‌ها. «او هیچ‌گاه فرصت آن را نداشت – و به هیچ‌روی نمی‌توانست این فرصت را بر خود هموار سازد – که از خدا فاصله بگیرد. از دید او فاصله گرفتن از خدا برابر بود با «تسلیم شدن در برابر قانون ثقل طبیعت». این گردن‌نهادن مساوی است با «نبودن»؛ حال آن‌که مردم گمان می‌کنند «هستند» و دارند با اراده‌ی خود زندگی می‌کنند.

«وی» بیش و کم یک سال پیش از مرگ، توانست به دو کشور آمریکا و انگلستان سفر کند. این سفر، سفر تفریحی و استخوان سبک کردن نبود؛ بل برای پیوستن به «جنبش مقاومت فرانسه» بود؛ جنبشی در اعتراض به اشغال فرانسه به‌دست آلمان هیتلری. در انگلستان بود که بیمار گشت. او اما برای هم‌آوایی قلبی با هموطنانش که خوراک‌شان جیره‌بندی بود و چیز دندان‌گیری دست‌گیرشان نمی‌شد، هر چند می‌دانست که دردی از دردهای‌شان را نمی‌کاهد، کم می‌خورد و گاه هیچ نمی‌خورد. ایثارگرانه می‌گفت: «خوردن [در چنین شرایطی] کاری پست و نفرت‌انگیز است.»

همین کم‌خوری و هیچ‌خوری، توان جسمی او را به اندازه‌ای کم کرد که به بیمارستانش بردند. مدّاو و لی سودی نبخشید و سیمون وی عارف روشنفکر و فیلسوف مبارز و زاهد انسان‌دوست و عاشق خداوند در ۲۴ اوت ۱۹۴۳ میلادی برابر با یکم شهریورماه ۱۳۲۲ خورشیدی درحالی‌که تنها ۳۴ سال بیش نداشت، آگاهانه جان به جان آفرین داد. جالب و چشمگیر است بدانیم که پزشکی قانونی دولت انگلستان، دلیل مرگ سیمون وی را «خودکشی» شمرد با قید این جمله: «در حالی که اختلال حواس داشت!!»

سیمون وی هنگامی که ثانیه‌های پایانی زندگی سراسر الهی و انسانی‌اش را روی تخت بیمارستان سپری می‌کرد و می‌رفت تا برای همیشه از قفس جهان فانی و زودگذر بیرون رود، خشنود و لبخند‌زنان زیر لب گفت: «تنها خداست که پایین می‌آید و روح [انسان] را مالک می‌شود؛ اما فقط «طلب» [و خواستن] است که او را پایین می‌کشد. او تنها به نزد کسانی می‌آید که از او بخواهند که بیاید و نمی‌تواند از آمدن به نزد آنان که با شوق و شور و پیوسته او را می‌خوانند روی گرداند.»

نه دولت وقت انگلستان می‌دانست و نه پزشکی قانونی‌اش و نه بسیاری دیگر که مُردن زودهنگام سیمون وی، بهترین نوع مُردن بود برای او. هنگامی که او خود را در رنج دردمندان و گرسنگان فرو افکند. مگر هم‌او نگفته بود: «هر کس که بتواند نسبت به انسانی رنج‌دیده‌ی شفقت و مهربانی بی‌شائبه نشان دهد، یقیناً واجد عشق به خدا و ایمان است.»

چنان‌که دلکش و دلنشین است بدانیم؛ سیمون وی کودک بود زمانی که جنگ جهانی اول شکل گرفت. هم‌او در همان خردسالی از خوردن شکر خودداری می‌کرد؛ زیرا شنیده بود که در میدان‌های جنگ، شکر به سربازان نمی‌رسد.

او چه نغز و زیبا بیان داشته است: «بر آدمی نیست که به جست‌وجوی خدا برود. آدمی تنها باید هرآن‌چه غیر خداست را نپذیرد. چیزی پیش‌فرض این امتناع و پرهیز نیست. کافی است تشخیص دهیم که تمام چیزهای جهان، گذشته، حال یا آینده، واقعی یا موهوم، متناهی و محدوداند و شدیداً از ارضای اشتیاق سوزانی‌که در ما برای امری نامتناهی و کامل زبانه می‌کشد ناتوان... آدمی بایست تنها بر این «نپذیرفتن» پای فشارد؛ و یک روز یا دگر روز خدا به سرعش خواهد آمد.»

خوابگاه ابدی آن الهی‌دان فرزانه – که رنج‌ها را به‌جان پذیرا گشت تا دیگران رنگ آسودگی ببینند – گورستان نو اشفورد انگلستان است. این جمله بر سنگ گور او نوشته شده است: «تنهایی‌ام رنج و اندوه دیگران را تا هنگام مرگ من در آغوش گرفت.»

این نیمه روشن ماه و اهالی فرهنگ

حسین مصصمی همدانی

من به شخصه بیش از سی سال است که دکتر موحد را می‌شناسم. با وجود آنکه استاد موحد عمری را صرف فرهنگ و شاخه‌های مختلف آن کرده، اما تا البته نکته‌ای که نباید از آن غافل شد، این است که گفت که شهرت استاد موحد میان اهالی فرهنگ و ادب دست بالا به چهار دهه اخیر ختم می‌شود و اغلب آثار ادبی ایشان نیز در همین دوره زمانی منتشر شده‌اند، البته نکته‌ای که نباید از آن غافل شد، این است که کتاب‌های مذکور در این دوره زمانی منتشر نشده‌اند و بواقع ثمره بیش از هفتاد سال تحقیق و مطالعه جدی هستند که شاید بتوان رد پای بخشی از آن را حتی در دوره نوجوانی ایشان جست.

علاقه‌مندی استاد موحد به حوزه‌هایی که در آنها صاحب‌نام هستند، به حدی ست که حتی طی سفرهای متعددی که بواسطه شغل شان به نقاط مختلف جهان داشته‌اند، بیشتر وقت‌شان را در کتابخانه‌ها و مراکز تحقیقی سپری کرده‌اند. ساده انگاری است که تصور کنیم، آثاری که در سی-چهل سال اخیر از ایشان دیده ایم، بویژه کتاب «خواب آشفته نفت»- که از نظر تاریخی نیز اثر بسیار مهمی است- در همین سال‌ها آماده شده، طبعاً پیش‌زمینه‌های چنین کتابی خیلی قبل‌تر از این‌ها فراهم شده است.

تا قبل از انقلاب با اینکه ایشان سال‌ها در محیط دانشگاه حضور داشته و تدریس کرده بودند اما از آنجایی که حرفه اصلی‌شان چیز دیگری بوده، جز در میان حقوق‌دانان کسی چندان با استاد موحد آشنا نبوده است. اهالی فرهنگ و هنر از وقتی با ایشان به‌عنوان چهره‌ای مطرح و اثر گذار آشنا شدند که ما شاهد انتشار کتاب‌های مهمی همچون «سفرنامه ابن بطوطه» یا «جزیه دراسلام» که بعدها به اسم «مالیات سرانه و تأثیر آن در گرایش به اسلام» منتشر شد و همچنین ترجمه کتاب «سلوک‌الملوک» که درباره تئوری حکومت اسلامی است (و تألیف دانشمندی اهل سنت است) از سوی ایشان بودیم.

البته این کتاب‌ها پیش از انقلاب منتشر شده بودند، حتی برخی از ترجمه‌های ایشان هم منتشر شده بود و از سویی شاهد تألیف مقاله‌هایی از سوی دکتر موحد برای مجله‌هایی چون مجله کتاب و مجله کانون ها و کلا بودیم. با این حال باز عموم مردم و کتابخوان‌ها و اهالی فرهنگ، چنان که امروز با چوه شخصیتی ایشان آشنا هستند، آشنایی نداشته‌اند. در این سال‌های اخیر بود که اولاً مَتن کامل تری از مقالات شمس در هفتاد و برپایی مراسم تجلیلی برای منوچهربزرگمهر و غلامحسین صاحب‌درفرنگسرای اندیشه‌باز می‌گردد، مراسمی که من هم از سخنرانان آن بودم.

بعد از پایان مراسم برای نخستین مرتبه با دکتر موحد صحبت کردم و ایشان نسبت به سخنرانی‌ام ابراز لطف کردند و آن آشنایی پنهانی‌ش شد برای دیدارهای بعدی. تا مدت‌ها هر پنجشنبه صبح همراه با آقای صفدر تقی‌زاده مترجم مشهور و دکتر موحد به در که می‌رفتم.

در این رفت و آمدها که اغلب دو ساعتی به طول می‌انجامید بیشتر و بیشتر با یکدیگر آشنا شدیم. البته آقای دکتر موحد پیش‌تر کتاب «سعدی» من را با همکاری نشر نو منتشر شده بود خوانده بود و نسبت به آن نظر مثبتی داشت و همین مسأله هم منجر به علاقه‌مندی بیشترشان به آشنایی با من شده بود، بویژه که بواسطه تشابه فامیلی مان، اغلب من را با ایشان اشتباه می‌گرفتند؛ این در حالی ست که آقای دکتر تبریزی هستند و من اصفهائی. بنابراین

من با ایشان اشتباه می‌گرفتمند؛ این در حالی ست که آقای دکتر تبریزی هستند و من اصفهائی. بنابراین من نسبت قوم و خویشی نداریم، هر چند که به نظر من دوستی درجه‌ای به مراتب بالاتر از نسبت فامیلی با حتی جغرافیایی دارد.

در خاطرم هست در یکی از کوه نوردی‌هایمان، در مسیر بازگشت، برای استراحت بسیار کوتاهی به منزل

جالب توجه دیگر درباره ایشان توانایی ذهنی بالا در این سن و سال است. حافظه استاد موحد هنوز دست نخورده باقی مانده و ما شاهدیم که همچنان از قدرت تحلیل بسیار بالایی برخوردار هستند.

از مباحث مرتبط با فعالیت‌های حرفه‌ای استاد که بگذریم، ایشان با وجود همه مراتب فضلی که از آن برخوردارند، مردی بسیار متواضع هستند. با اینکه زندگی به‌ظاهر کم حادثه‌ای داشته‌اند اما حوادث تاریخی بسیاری را دیده‌اند و با آدم‌های مهمی از تاریخ کشورمان بر خورد و با بسیاری از شخصیت‌های فکری، فرهنگی و سیاسی ۶۰-۷۰ سال اخیر ایران معاشرت داشته‌اند و خاطرات جالبی هم از آنان دارند. امیدوارم بخشی از آن را نوشته باشند یا حتما بنویسند. استاد موحد از نسلی هستند که باید دنبال نظیر آنها با چراغ بگردیم چرا که نظیرشان به سختی پیدا می‌شود. در نسل جوان به ندرت شاهد افرادی با چنین قدرت‌های تحلیلی هستیم. استاد موحد را می‌توان پل ارتباطی میان فرهنگ امروز و گذشته‌مان دانست، ایشان به همان اندازه که از حقوق نفت که سال‌ها در آن خصوص کار کرده‌اند می‌دانند به‌همان اندازه با فقه آشنایی دارند.

اغلب اندیشمندانی که امروز از حضور آنها بهره مندیم یا فقیه هستند و به متون قدیم احاطه دارند یا حقوق جدید می‌دانند. دکتر موحد همان قدر با افکار مولانا و شمس آشنا هستند و در آن رابطه می‌دانند که به نوشته‌های متفکران اروپایی علاقه و آشنایی دارند. استاد موحد از جمله نخستین افرادی هستند که در سال‌های قبل از انقلاب آثاری از آیزایا برلین ترجمه کردند. این را فتمت که بداندن ایشان چقدر به مباحث مرتبط با روزگار فعلی هم علاقه‌مند هستند.

همین کتاب خواب آشفته نفت، هم تا اندازه‌ای نتیجه زندگی شخصی ایشان است و هم تعمق زیاد در مدارک و یادداشت‌های برخی افرادی ست که در وقایع آن دوران نقش داشته‌اند. از سویی تسلط بر چند زبان باعث شده به منابع خارجی هم دسترسی داشته باشند که این هم نکته قابل توجهی است.

صفایی در رفتار ایشان با همه اطرافیان و آهپایی به هر طریقی با ایشان معاشرت دارند، دیده می‌شود که من در کمتر کسی دیده‌ام. ایشان در هر شرایطی پذیرای جوانان هستند و آنان را راهنمایی می‌کنند که این ویژگی قابل چشم پوشی نیست.

جهانی است بنشسته در گوشه ای

آشنایی‌ام با دکتر محمدعلی موحد به اوایل دهه هفتاد و برپایی مراسم تجلیلی برای منوچهربزرگمهر و غلامحسین صاحب‌درفرنگسرای اندیشه‌باز می‌گردد، مراسمی که من هم از سخنرانان آن بودم. البته آقای دکتر موحد پیش‌تر کتاب «سعدی» من را با همکاری نشر نو منتشر شده بود خوانده بود و نسبت به آن نظر مثبتی داشت و همین مسأله هم منجر به علاقه‌مندی بیشترشان به آشنایی با من شده بود، بویژه که بواسطه تشابه فامیلی مان، اغلب من را با ایشان اشتباه می‌گرفتند؛ این در حالی ست که آقای دکتر تبریزی هستند و من اصفهائی. بنابراین من نسبت قوم و خویشی نداریم، هر چند که به نظر من دوستی درجه‌ای به مراتب بالاتر از نسبت فامیلی با حتی جغرافیایی دارد.

در خاطرم هست در یکی از کوه نوردی‌هایمان، در مسیر بازگشت، برای استراحت بسیار کوتاهی به منزل جالب توجه دیگر درباره ایشان توانایی ذهنی بالا در این سن و سال است. حافظه استاد موحد هنوز دست نخورده باقی مانده و ما شاهدیم که همچنان از قدرت تحلیل بسیار بالایی برخوردار هستند.

از مباحث مرتبط با فعالیت‌های حرفه‌ای استاد که بگذریم، ایشان با وجود همه مراتب فضلی که از آن برخوردارند، مردی بسیار متواضع هستند. با اینکه زندگی به‌ظاهر کم حادثه‌ای داشته‌اند اما حوادث تاریخی بسیاری را دیده‌اند و با آدم‌های مهمی از تاریخ کشورمان بر خورد و با بسیاری از شخصیت‌های فکری، فرهنگی و سیاسی ۶۰-۷۰ سال اخیر ایران معاشرت داشته‌اند و خاطرات جالبی هم از آنان دارند. امیدوارم بخشی از آن را نوشته باشند یا حتما بنویسند.

استاد موحد از نسلی هستند که باید دنبال نظیر آنها با چراغ بگردیم چرا که نظیرشان به سختی پیدا می‌شود. در نسل جوان به ندرت شاهد افرادی با چنین قدرت‌های تحلیلی هستیم. استاد موحد را می‌توان پل ارتباطی میان فرهنگ امروز و گذشته‌مان دانست، ایشان به همان اندازه که از حقوق نفت که سال‌ها در آن خصوص کار کرده‌اند می‌دانند به‌همان اندازه با فقه آشنایی دارند.

ضمیمه فرهنگی روزنامه اطلاعات

چهارشنبه ۳۰ مرداد ۱۳۹۸- سال نودوچهارم - شماره ۲۷۳۵۹



در کوچه باغ استادان: دکتر محمدعلی موحد، مصوّمی حسین

در زمینه‌های مختلفی کار کرده‌اند که قسمت عده آنها تحقیقاتی‌ست که در حوزه تاریخچه و جریان‌های مرتبط با نفت ایران انجام داده‌اند. در ارتباط با این بحث، تحقیقات بسیار ارزشمندی انجام داده‌اند که بخش مهمی از تاریخ ماصرمان را روشن می‌کند. از آنجایی که نفت یکی از مهم‌ترین منابع اقتصادی کشورمان به شمار می‌آید کاری که دکتر موحد در این عرصه انجام داده‌اند از اهمیت بسیاری برخوردار است. هم‌اکنون هم مشغول شرح نوشتن بر دفتر نخست مثنوی هستند. درباره «فصوص‌الحکم» هم ترجمه و شرح بسیار دقیق‌ی انجام داده‌اند که مدخل بسیار مفیدی برای افرادی‌ست که خواهان قدم نهادن به این عرصه هستند.

دکتر موحد در کنار همه فعالیت‌های ارزشمندی که از ایشان سراغ داریم در فرهنگستان زبان و ادب فارسی هم مشغول فعالیت هستند و ما سال‌هاست که از وجود ایشان در جلسات فرهنگستان بهره می‌بریم. علاوه بر این از اعضای برجسته مرکز شورای دایرةالمعارف مرکز اسلامی هستند و حضور ایشان در جلسات شورا نیز همواره راهگشا بوده است.

البته فعالیت‌های دکتر موحد تنها به نفت محدود نمی‌شود چراکه در حوزه عرفان هم شاهد انتشار آثار سترگی به قلم و کوشش ایشان هستیم. آنچنان که در ارتباط با شمس تبریزی تا پیش از تصحیحی که دکتر موحد از مقالات شمس انجام داده‌اند و همین‌طور دیگر آثار تحقیقی-تألیفی دیگری که درباره این صوفی مطرح قرن هفتم منتشر کرده‌اند ما اطلاعات چندانی از او و زندگی‌اش نداشته‌یم.

به تازگی هم شاهد تصحیح ارزشمندی از سوی ایشان بر مثنوی مولانا بودیم که اواخر سال قبل با همکاری نشر هرمس منتشر شد. دکتر موحد این

پایان

در کوچه باغ اندیشه / ۱۳۴.

کریم فیضی

جاری تا ابدیت

است: قدرت و خشم. اهالی قدرت مفسده برپا می‌کنند و اهالی خشم جنایت می‌کنند.

وقتی روح در فراز است، سر آدمی به طاق آسمان می‌خورد و وقتی روح در فرود است، پای آدمی قعر زمین را لمس می‌کند. آری، فراز و فرود روح امری واقعی و حقیقی است.

تلاقی زمان با خاک تیره موجب پدید آمدن زندگی شده است. دوگانگی بنیادی زندگی از همین جاست که به تدریج رو به چندگانگی‌های بعدی می‌گذارد.

زندگی حاصل تلاقی زمان با خاک است. شگفتی حیرت آور زندگی از همین جا ناشی می‌شود که زمان ناپیدا با خاک تیره درمیخته است.

خشم خراش است؛ خراشی روی حیات، هستی و روان انسان خشمگین.

حیات خسته می‌کند، اما خسته نمی‌شود. به همین دلیل انسان‌ها می‌میرند ولی حیات مرگ ندارد.

عقل زمین را می‌کند و چیزی می‌سازد. ارتفاع آسمان خراش‌ها و دقت کامپیوترها نمی‌تواند سرشت خاک آلود زندگی را از بین ببرد. هرآنچه هست، توسط عقل از زمین استخراج شده است.

در هر چه فرو روید، همان می‌شوید: در زمین فرو رویم زمین می‌شویم، در آسمان فرو رویم آسمان می‌شویم.

آنچه می‌بینیم و می‌توانیم ببینیم، چیزی نیست که عقل از زمین و طبیعت استخراج کرده است، از برج‌های بلند تا ماشین‌های غول‌پیکر.

آدمی در دست شرایط راهی جز تمکین ندارد. انسان بیش از آنکه تعیین کند، تعیین می‌شود. ما تعیین نمی‌کنیم تعیین می‌شویم.

وقتی تصمیم می‌گیریم آدم خوبی بشویم، جهان و زمان، باهم دگرگون می‌شود.

در هر دستی فرشته‌ای از جنس هنر به خواب رفته است. اگر بیدارش کنید هنرمندی خواهید شد با دست‌هایی که به زیبایی تکان می‌خورند و زیبایی می‌آفرینند.

روزی که قدرت جایگزین عدالت شود، آزادی نه تنها فضیلت محسوب نخواهد شد، بلکه ضد فضیلت هم خواهد بود.

روح در رشره‌های بزرگ سرنوشتی جز فرسایش و فرسودگی ندارد. به نظر می‌رسد شهرهای بزرگ گورستان ارواح سرگردانند.

نیاز آدمی به نو شدن، کمتر از احتیاجش به غذا نیست. جامعه‌ای که به مردمانش فرصت نو شدن و تازگی ندهد، قاتلی بی‌رحم است.

سیاست‌بازان هر کاری که انجام دهند، مقصدی جز کسب قدرت و حفظ قدرت ندارند. قبله سیاست، قدرت است.

افت و خیز روح واقعی و حقیقی است. تنها کسی می‌تواند افت و خیز روح را انکار کند که روح را انکار کند. پذیرش روح بدون افت و خیز شدید ناممکن است.

غلبه تولد بر مرگ، طراوت هستی و حیات را به رخ می‌کشد و خزان را از چشم پنهان می‌کند.

با روختان عکس یادگاری بگیرید و آن را کنار عکس‌های یادگاری جسمتان قرار دهید. خواهید دید که روختان را نمی‌شناسید.

از یک زندانی نمی‌توان انتظار داشت به جایی برود و به جایی برسد. چنین است انسانی که آزادی ندارد. عدم آزادی در حکم زندانی شدن است هرچند در کشوری بزرگ و دشتی وسیع.

از پشت سرشان بی‌خبرند؛ اما از نبود خدا در اعماق آسمان‌های دور دست و نبود ملکوت در باطن جهان خبر می‌دهند. به چنین افرادی «فیلسوف» گفته می‌شود!

روح را نمی‌توان نقاشی کرد!ما هر نقاشی، روح خودش را نقش می‌زند. هیچ نقاشی قادر نیست چیزی غیر از روح خودش را به تصویر بکشد.

زندگی ظاهری دارد و باطنی. ظاهر زندگی شادمانی و باطن زندگی اندوه است.

باطن زندگی اندوه و اندوهناک است، به همین جهت شادی و شادمانی باید در زندگی حضور داشته باشد تا باطن دردناک زندگی بی‌ظاهر نماند.

انسان‌ها در گذر زمان و از گذر زمان شکلی می‌گیرند، درست مانند رودخانه‌ای که از گذر آب شکل می‌گیرد. اگر درست بنگریم، خواهیم دید عبور زمان از انسان، درست مانند گذر آب از رود است.

رودخانه‌ای هستیم که قفطرات زمان در ما جاری است و جاری هستیم تا ابدیت.

آنسان با آزادی انسان است. انسان بدون آزادی، حیوانی بیش نیست.

در ساحل دریای زمان به نظاره ایستاده‌ایم؛ زمان دریاست و انسان ساحل و جهان، ساحل انسان.

جهنم بی‌اعتقادی سوزان‌تر از هر جهنمی است. اعتقاد به جهنم داشتن بهتر از سوختن در جهنم بی‌اعتقادی است. اغراق نیست اگر بگوییم بی‌اعتقادی جهنمی است که از هر جهنمی سوزنده‌تر است.

هیچ کس بیشتر از خود انسان نمی‌تواند از شکست‌پذیری و شکستی بودن خودش خبر داشته باشد.

ترجمه‌هایی که امروز از ایشان در اختیار داریم هم آثار بسیار ارزشمندی هستند که از جمله آنها می‌توان به ترجمه سفرنامه دو جلدی ابن بطوطه اشاره کرد، کاف‌ی‌ست به سراغ ترجمه‌های ایشان بروید تا با سبک نگارش بسیار خاصی از سوی ایشان روبه‌رو شوید.

اینکه در این مجال اندک امکان صحبت درباره بیش از هفت دهه فعالیت ارزشمند دکتر موحد نیست اما همین بس که بگویم او از چهره‌های اثرگذار عرصه فرهنگ و ادب و همچنین حقوق و نفت کشورمان به شمار می‌آیند. خداوند عمری طولانی به ایشان اعطا بفرماید.

انسان مسافر کشتی حیات است در دریای زمان. حتی اگر طوفانی در میان نباشد، دریا لبریز از موج‌هایی است که هرلحظه به جایی از این کشتی اصابت می‌کنند.

هر کجا جنایت و مفسده‌ای وجود دارد، دور در پا قابل تشخیص

این نیمه روشن ماه و اهالی فرهنگ

حسین مصصمی همدانی

من به شخصه بیش از سی سال است که دکتر موحد را می‌شناسم. با وجود آنکه استاد موحد عمری را صرف فرهنگ و شاخه‌های مختلف آن کرده، اما تا البته نکت‌های که نباید از آن غافل شد، این است که گفت که شهرت استاد موحد میان اهالی فرهنگ و ادب دست بالا به چهار دهه اخیر ختم می‌شود و اغلب آثار ادبی ایشان نیز در همین دوره زمانی منتشر شده‌اند، البته نکت‌های که نباید از آن غافل شد، این است که کتاب‌های مذکور در این دوره زمانی منتشر نشده‌اند و بواقع ثمره بیش از هفتاد سال تحقیق و مطالعه جدی هستند که شاید بتوان رد پای بخشی از آن را حتی در دوره نوجوانی ایشان جست.

علاقه‌مندی استاد موحد به حوزه‌هایی که در آنها صاحب‌نام هستند، به حدی ست که حتی طی سفرهای متعددی که بواسطه شغل شان به نقاط مختلف جهان داشته‌اند، بیشتر وقت‌شان را در کتابخانه‌ها و مراکز تحقیقی سپری کرده‌اند. ساده انگاری است که تصور کنیم، آثاری که در سی-چهل سال اخیر از ایشان دیده ایم، بویژه کتاب «خواب آشفته نفت»- که از نظر تاریخی نیز اثر بسیار مهمی است- در همین سال‌ها آماده شده، طبعاً پیش‌زمینه‌های چنین کتابی خیلی قبل‌تر از این‌ها فراهم شده است.

تا قبل از انقلاب با اینکه ایشان سال‌ها در محیط دانشگاه حضور داشته و تدریس کرده بودند اما از آنجایی که حرفه اصلی‌شان چیز دیگری بوده، جز در میان حقوق‌دانان کسی چندان با استاد موحد آشنا نبوده است. اهالی فرهنگ و هنر از وقتی با ایشان به‌عنوان چهره‌ای مطرح و اثر گذار آشنا شدند که ما شاهد انتشار کتاب‌های مهمی همچون «سفرنامه ابن بطوطه» یا «جزیه دراسلام» که بعدها به اسم «مالیات سرانه و تأثیر آن در گرایش به اسلام» منتشر شد و همچنین ترجمه کتاب «سلوک‌الملوک» که درباره تئوری حکومت اسلامی است (و تألیف دانشمندی اهل سنت است) از سوی ایشان بودیم.

البته این کتاب‌ها پیش از انقلاب منتشر شده بودند، حتی برخی از ترجمه‌های ایشان هم منتشر شده بود و از سویی شاهد تألیف مقاله‌هایی از سوی دکتر موحد برای مجله‌هایی چون مجله کتاب و مجله کانون ها و کلا بودیم. با این حال باز عموم مردم و کتابخوان‌ها و اهالی فرهنگ، چنان که امروز با وجوه شخصیتی ایشان آشنا هستند، آشنایی نداشته‌اند. در این سال‌های اخیر بود که اولاً مّتن کامل تری از مقالات شمس در هفتاد و برپایی مراسم تجلیلی برای منوچهربزرگمهر و غلامحسین صاحب‌درفرنگسرای اندیشه‌باز می‌گردد، مراسمی که من هم از سخنرانان آن بودم.

بعد از پایان مراسم برای نخستین مرتبه با دکتر موحد صحبت کردم و ایشان نسبت به سخنرانی‌ام ابراز لطف کردند و آن آشنایی پنهانی‌ش شد برای دیدارهای بعدی. تا مدت‌ها هر پنجشنبه صبح همراه با آقای صفر

تقی‌زاده مترجم مشهور و دکتر موحد به در که می‌رفتیم. در این رفت و آمدها که اغلب دو ساعتی به طول می‌انجامید بیشتر و بیشتر با یکدیگر آشنا شدیم.

البته آقای دکتر موحد پیش‌تر کتاب «سعدی» من را با همکاری نشر نو منتشر شده بود خوانده بود و نسبت به آن نظر مثبتی داشت و همین مسأله هم منجر به علاقه‌مندی بیشترشان به آشنایی با من شده بود، بویژه که بواسطه تشابه فامیلی مان، اغلب من را با ایشان اشتباه می‌گرفتند؛ این در حالی ست که آقای دکتر تبریزی هستند و من اصفهانی. بنابراین ما نسبت قوم و خویشی نداریم، هر چند که به نظر من دوستی درجه‌ای به مراتب بالاتر از نسبت فامیلی با حتی جغرافیایی دارد.

در خاطرم هست در یکی از کوه‌نوردی‌هایمان، در مسیر بازگشت، برای استراحت بسیار کوتاهی به منزل

جالب توجه دیگر درباره ایشان توانایی ذهنی بالا در این سن و سال است. حافظه استاد موحد هنوز دست نخورده باقی مانده و ما شاهدیم که همچنان از قدرت تحلیل بسیار بالایی برخوردار هستند.

از مباحث مرتبط با فعالیت‌های حرفه‌ای استاد که بگذریم، ایشان با وجود همه مراتب فضلی که از آن برخوردارند، مردی بسیار متواضع هستند. با اینکه زندگی به‌ظاهر کم حادثه‌ای داشته‌اند اما حوادث تاریخی بسیاری را دیده‌اند و با آدم‌های مهمی از تاریخ کشورمان بر خورد و با بسیاری از شخصیت‌های فکری، فرهنگی و سیاسی ۶۰-۷۰ سال اخیر ایران معاشرت داشته‌اند و خاطرات جالبی هم از آنان دارند. امیدوارم بخشی از آن را نوشته باشند یا حتما بنویسند.

استاد موحد از نسلی هستند که باید دنبال نظیر آنها با چراغ بگردیم چرا که نظیرشان به سختی پیدا می‌شود. در نسل جوان به ندرت شاهد افرادی با چنین قدرت‌های تحلیلی هستیم. استاد موحد را می‌توان پل ارتباطی میان فرهنگ امروز و گذشته‌مان دانست، ایشان به همان اندازه که از حقوق نفت که سال‌ها در آن خصوص کار کرده‌اند می‌دانند به‌همان اندازه با فقه آشنایی دارند.

اغلب اندیشمندانی که امروز از حضور آنها بهره‌مندیم یا فقیه هستند و به متون قدیم احاطه دارند یا حقوق جدید می‌دانند. دکتر موحد همان قدر با افکار مولانا و شمس آشنا هستند و در آن رابطه می‌دانند که به نوشته‌های متفکران اروپایی علاقه و آشنایی دارند. استاد موحد از جمله نخستین افرادی هستند که در سال‌های قبل از انقلاب آثاری از آیزایا برلین ترجمه کردند. این را فتمن که بداندن ایشان چقدر به مباحث مرتبط با روزگار فعلی هم علاقه‌مند هستند.

همین کتاب خواب آشفته نفت، هم تا اندازه‌ای نتیجه زندگی شخصی ایشان است و هم تعمق زیاد در مدارک و یادداشت‌های برخی افرادی ست که در وقایع آن دوران نقش داشته‌اند. از سویی تسلط بر چند زبان باعث شده به منابع خارجی هم دسترسی داشته باشند که این هم نکته قابل توجهی است.

صفایی در رفتار ایشان با همه اطرافیان و آ‌نهایی که به طرقی با ایشان معاشرت دارند، دیده می‌شود که من در کمتر کسی دیده‌ام. ایشان در هر شرایطی پذیرای جوانان هستند و آنان را راهنمایی می‌کنند که این ویژگی قابل چشم پوشی نیست.

جهانی است بنشسته در گوشه ای

آشنایی‌ام با دکتر محمدعلی موحد به اوایل دهه هفتاد و برپایی مراسم تجلیلی برای منوچهربزرگمهر و غلامحسین صاحب‌درفرنگسرای اندیشه‌باز می‌گردد، مراسمی که من هم از سخنرانان آن بودم.
کتنده، شعر منتشر شد اما در کنار مجموعه‌ای دیگر از اشعار ایشان. شعری که از آن گفتم بخش اصلی دفترشعر دکتر موحد به شمار می‌آمد اما دیگر اشعاری که در کنار آن آمده بودند قدری از جلوه‌اش کاسته بودند و ای کاش آن شعر به شکلی مجزا منتشر می‌شد. این داستان آشنایی‌ام با ایشان بود که همچنان هم ادامه دارد و بسیار هم از آن خوشحال هستم، هرچند افسوس می‌خورم که چرا زودتر رخ نداده است. اما اگر قرار باشد از خود دکتر و شناختی که از ایشان پیدا کرده‌ام بگویم بی‌اغراق ایشان مردی جامع‌الاطراف هستند که در بسیاری مسائل از جمله تاریخ، عرفان، حقوق و در مباحث مربوط به وقایع نفت در ایران اطلاعات بسیار مستند و دقیقی دارند.

اما اساس آشنایی‌مان همانگونه که گفتم شعر و ادبیات بود.بر اساس همین شناخت، ایشان را نمونه‌ای از فردی می‌دانم که طوری زیسته که توانسته الگویی برای زندگی موفق باشد.
او به گونه‌ای زندگی کرده که جوانان باید به این فکر کنند که چطور می‌توان در زندگی تا این اندازه

ضمیمه فرهنگی روزنامه اطلاعات

چهارشنبه ۳۰ مرداد ۱۳۹۸- سال نودوچهارم - شماره ۲۷۳۵۹



در کوچه باغ استادان: دکتر محمدعلی موحد، مصوّم حسین

در زمینه‌های مختلفی کار کرده‌اند که قسمت عده آنها تحقیقاتی‌ست که در حوزه تاریخچه و جریان‌های مرتبط با نفت ایران انجام داده‌اند. در ارتباط با این بحث، تحقیقات بسیار ارزشمندی انجام داده‌اند که بخش مهمی از تاریخ ماصرمان را روشن می‌کند. از آنجایی که نفت یکی از مهم‌ترین منابع اقتصادی کشورمان به شمار می‌آید کاری که دکتر موحد در این عرصه انجام داده‌اند از اهمیت بسیاری برخوردار است. هم‌اکنون هم مشغول شرح نوشتن بر دفتر نخست مثنوی هستند. درباره «فصوص‌الحکم» هم ترجمه و شرح بسیار دقیقی انجام داده‌اند که مدخل بسیار مفیدی برای افرادی‌ست که خواهان قدم نهادن به این عرصه هستند.

دکتر موحد در کنار همه فعالیت‌های ارزشمندی که از ایشان سراغ داریم در فرهنگستان زبان و ادب فارسی هم مشغول فعالیت هستند و ما سال‌هاست که از وجود ایشان در جلسات فرهنگستان بهره می‌بریم. علاوه بر این از اعضای برجسته مرکز شورای دایرةالمعارف مرکز اسلامی هستند و حضور ایشان در جلسات شورا نیز همواره راهگشا بوده است.

البته فعالیت‌های دکتر موحد تنها به نفت محدود نمی‌شود چراکه در حوزه عرفان هم شاهد انتشار آثار سترگی به قلم و کوشش ایشان هستیم. آنچنان که در ارتباط با شمس تبریزی تا پیش از تصحیحی که دکتر موحد از مقالات شمس انجام داده‌اند و همین‌طور دیگر آثار تحقیقی-تألیفی دیگری که درباره این صوفی مطرح قرن هفتم منتشر کرده‌اند ما اطلاعات چندانی از او و زندگی‌اش نداشته‌یم.

به تازگی هم شاهد تصحیح ارزشمندی از سوی ایشان بر مثنوی مولانا بودیم که اواخر سال قبل با همکاری نشر هرمس منتشر شد. دکتر موحد این

پایان

روح را نمی‌توان نقاشی کرد اما هر نقاشی، روح خودش را نقش می‌زند. هیچ نقاشی قادر نیست چیزی غیر از روح خودش را به تصویر بکشد.

زندگی ظاهری دارد و باطنی. ظاهر زندگی شادمانی و باطن زندگی اندوه است.

باطن زندگی اندوه و اندوهناک است. به همین جهت شادی و شادمانی باید در زندگی حضور داشته باشد تا باطن دردناک زندگی بی‌ظاهر نماند.

انسان‌ها در گذر زمان و از گذر زمان شکل می‌گیرند، درست مانند رودخانه‌ای که از گذر آب شکل می‌گیرد. اگر درست بنگریم، خواهیم دید عبور زمان از انسان، درست مانند گذر آب از رود است.

رودخانه‌ای هستیم که قفطرات زمان در ما جاری است و جاری هستیم تا ابدیت.

آنسان با آزادی انسان است. انسان بدون آزادی، حیوانی بیش نیست.

در ساحل دریای زمان به نظاره ایستاده‌ایم؛ زمان دریاست و انسان ساحل و جهان، ساحل انسان.

جهنم بی‌اعتقادی سوزان‌تر از هر جهنمی است. اعتقاد به جهنم داشتن بهتر از سوختن در جهنم بی‌اعتقادی است. اغراق نیست اگر بگویم بی‌اعتقادی جهنمی است که از هر جهنمی سوزنده‌تر است.

هیچ کس بیشتر از خود انسان نمی‌تواند از شکست‌پذیری و شکستی بودن خودش خبر داشته باشد.

ترجمه‌هایی که امروز از ایشان در اختیار داریم هم

آثار بسیار ارزشمندی هستند که از جمله آنها می‌توان به ترجمه سفرنامه دو جلدی ابن بطوطه اشاره کرد، کافی‌ست به سراغ ترجمه‌های ایشان بروید تا با سبک نگارش بسیار خاصی از سوی ایشان روبه‌رو شوید. اینک به در این مجال اندک امکان صحبت درباره بیش از هفت دهه فعالیت ارزشمند دکتر موحد نیست اما

همین بس که بگویم او از چهره‌های اثرگذار عرصه فرهنگ و ادب و همچنین حقوق و نفت کشورمان به شمار می‌آیند. خداوند عمری طولانی به ایشان اعطا بفرماید.

هر کجا جنایت و مفسده‌ای وجود دارد، دورد پا قابل تشخیص

غلبه تولد بر مرگ، طراوت هستی و حیات را به رخ می‌کشد و خزان را از چشم پنهان می‌کند.

با روح‌خان عکس یادگاری بگیرید و آن را کنار عکس‌های یادگاری جسمتان قرار دهید. خواهید دید که روح‌تان را نمی‌شناسید.

از یک زندانی نمی‌توان انتظار داشت به جایی برود و به جایی برسد. چنین است انسانی که آزادی ندارد. عدم آزادی در حکم زندانی شدن است هرچند در کشوری بزرگ و دشتی وسیع.

از پشت سرشان بی‌خبرند؛ اما از نبود خدا در اعماق آسمان‌های دور دست و نبود ملکوت در باطن جهان خبر می‌دهند. به چنین افرادی «فیلسوف» گفته می‌شود!

در کوچه باغ اندیشه / ۱۳۴.

کریم فیضی

جاری تا ابدیت

است: قدرت و خشم. اهالی قدرت مفسده برپا می‌کنند و اهالی خشم جنایت می‌کنند.

وقتی روح در فراز است، سر آدمی به طاق آسمان می‌خورد و وقتی روح در فرود است، پای آدمی قعر زمین را لمس می‌کند. آری، فراز و فرود روح امری واقعی و حقیقی است.

تلاقی زمان با خاک تیره موجب پدید آمدن زندگی شده است. دوگانگی بنیادی زندگی از همین جاست که به تدریج رو به چندگانگی‌های بعدی می‌گذارد.

زندگی حاصل تلاقی زمان با خاک است. شگفتی حیرت‌آور زندگی از همین جا ناشی می‌شود که زمان ناپیدا با خاک تیره درمیخته است.

خشم خراش است؛ خراشی روی حیات، هستی و روان انسان خشمگین.

حیات خسته می‌کند، اما خسته نمی‌شود. به همین دلیل انسان‌ها می‌میرند ولی حیات مرگ ندارد.

عقل زمین را می‌کند و چیزی می‌سازد. ارتفاع آسمان خراش‌ها و دقت کامپیوترها نمی‌تواند سرشت خاک‌آلود زندگی را از بین ببرد. هرآنچه هست، توسط عقل از زمین استخراج شده است.

در هر چه فرو روید، همان می‌شوید؛ در زمین فرو رویم زمین می‌شویم، در آسمان فرو رویم آسمان می‌شویم.

آنچه می‌بینیم و می‌توانیم ببینیم، چیزی نیست که عقل از زمین و طبیعت استخراج کرده است، از برج‌های بلند تا ماشین‌های غول‌پیکر.

آدمی در دست شرایط راهی جز تمکین ندارد. انسان بیش از آنکه تعیین کند، تعیین می‌شود. ما تعیین نمی‌کنیم تعیین می‌شویم.

وقتی تصمیم می‌گیریم آدم خوبی بشویم، جهان و زمان، باهم دگرگون می‌شود.

در هر دستی فرشته‌ای از جنس هنر به خواب رفته است. اگر بیدارش کنید هنرمندی خواهید شد با دست‌هایی که به زیبایی تکان می‌خورند و زیبایی می‌آفرینند.

روزی که قدرت جایگزین عدالت شود، آزادی نه تنها فضیلت محسوب نخواهد شد، بلکه ضد فضیلت هم خواهد بود.

روح در رشره‌های بزرگ سرنوشتی جز فرسایش و فرسودگی ندارد. به نظر می‌رسد شهرهای بزرگ گورستان ارواح سرگردانند.

نیاز آدمی به نو شدن، کمتر از احتیاجش به غذا نیست. جامعه‌ای که به مردمانش فرصت نو شدن و تازگی ندهد، قاتلی بی‌رحم است.

سیاست‌بازان هر کاری که انجام دهند، مقصدی جز کسب قدرت و حفظ قدرت ندارند. قبله سیاست، قدرت است.

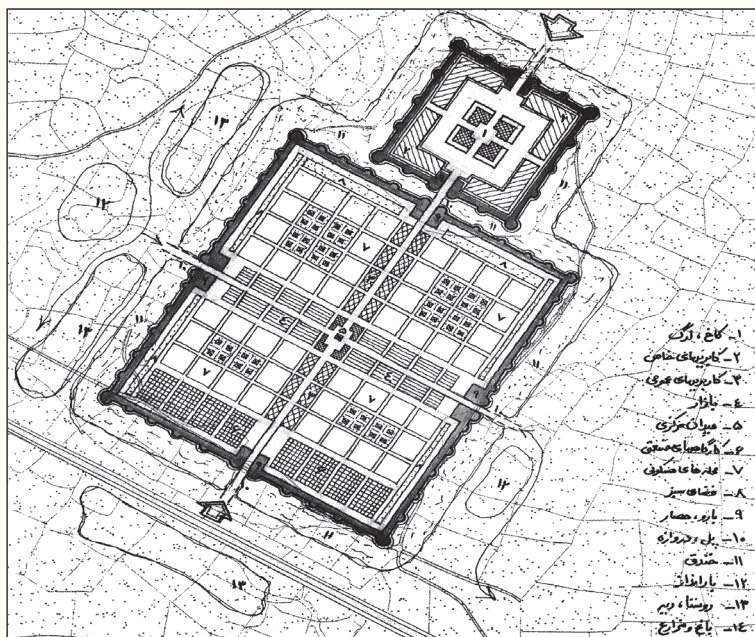
افت و خیز روح واقعی و حقیقی است. تنها کسی می‌تواند افت و خیز روح را انکار کند که روح را انکار کند. پذیرش روح بدون افت و خیز شدید ناممکن است.



● مهندس حسین مجیدی

شهرهای ایران باستان ۳/

از سپاهان تا نیشابور



خوره شاپور از چهار مربع به اضلاع یک کیلومتر تشکیل یافته و طرح شهر در مجموع به شهرهای گندیشاپور و بیشاپور شبیه است. منازل، محل کار و تجارت ساکنین در نیمه شمالی شهر و کاخ‌ها و محلات اشراف‌نشین در بخش جنوبی شهر قرار داشته است. شهر دارای چهار دروازه در چهار سمت اصلی بوده است. در شرایط کنونی چندین مورد دخالت انسانی باعث تغییرات وسیع و تخریب گسترده این شهر باستانی شده است.

پنجم - شهر سپاهان

اصفهان دوران باستان از دو بخش اصلی تشکیل می‌گردد. بخشی که در شرق قرار گرفته و شهرستان گی(جی) نام داشت و بخش دیگر در غرب آن با نام یهودیه قرار داشت که بسیار بزرگتر از شهرستان بوده است.

گی قلعه‌ای نظامی بود که مرکز جمع‌آوری سپاهیان و محل سکونت حاکم و بزرگان منطقه بوده و در حکم ارگ و قلعه مرکزی منطقه محسوب می‌شده است.

در بخش یهودیه هم اسکان یهودیان کوچ داده شده از شهر بابل که به این ناحیه مهاجرت کرده بودند قرار داشت. در شرایط کنونی آثار بسیار کمی از این دو شهر در شهر اصفهان باقی مانده است.

ششم - شهر نیشابور

شهر باستانی نیشابور به شماره ۲۷۷۶ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است.

بقایای شهر کهن نیشابور که امروزه به نام تپه آلب ارسلان شناخته می‌شود در فاصله پنج کیلومتری جنوب شرق شهر نیشابور واقع شده است. ساخت این شهر توسط شاپور اول فرزند اردشیر بابکان مؤسس سلسله ساسانی بوده و شاپور دوم به تجدید بنای آن پرداخته و به همین سبب نیشاپور یا نیشابور منسوب به وی است.

باروی شهر به شکل مربع و هر یک از ضلع‌های آن یک فرسنگ بوده است. بخش دژ دارای دو دروازه و بخش شارسان دارای چهار دروازه در چهار سمت بوده است. شهر نیشابور دارای چهل و دو محله بوده و خیابانهای اصلی و بزرگ آن به دروازه‌ها منتهی می‌گردیده است.

وضعیت بخش ساسانی شهر نیشابور قدیم بدون مراقبت رها شده است. بخش دژ و ارگ آن در گیر حفاری‌های فراوان اشخاص و بخش شارسان آن توسط کشاورزان کاملاً تسطیح و از بین رفته و همانند شهرهای گندیشاپور و ارگان و خوره شاپور و ... است.

هفتم - شهر شوشتر

قلعه سلاسل، بندمیزان، بندگرگر در فهرست آثار ملی ایران و آبشارها و آسیاب‌های شوشتر به عنوان دهمین اثر ثبت شده میراث جهانی یونسکو در سال ۱۳۸۸ معرفی شده است.

شهر شوشتر در شمال استان خوزستان واقع شده و این شهر بصورت قلعه نظامی بزرگی با برج و باروی نظامی بوده است. تجدید بنای شهر شوشتر را به اردشیر بابکان نسبت می‌دهند و در این دوره است که شوشتر بصورت جزیره‌ای میان چندین رود قرار گرفته و سازه‌های گسترده آبی به صورت کانالها، پل‌بندها و آسیاب‌ها در گوشه و کنار آن قرار دارند.

در زمان شاپور ساسانی آبادانی شوشتر کامل و درخشانترین دوره تاریخ حیات خود را گذرانده و تأسیسات آبیاری و کشاورزی در این شهر رونق فراوانی داشته است. تأسیسات آبی عظیم و پیچیده‌ای در این شهر ساخته شده که از آن به عنوان بزرگترین موزه آبی دنیا یاد می‌کنند.

شهرهای دوران ساسانیان دارای چهار دروازه و این قاعده برای شهر شوشتر هم مصداق داشته است. به نظر دو دروازه جنوب غربی و جنوب شرقی در دوران اسلامی اضافه شده باشند.

شهر باستانی شوشتر با عناصر آن دوران شامل قلعه سلاسل در شمال شهر، آتشکده(مسجد جامع) در غرب شهر و محدوده آسیاب‌ها و آبشارها در شرق و سازه‌ها و بناهای زیربنایی و زیرساختی و تقسیم‌بندی حساب شده آب کارون و همچنین استخوانبندی اصلی باقیمانده از آن دوران، باید تنها نمونه شاخص و پابرجا و زنده از شهرهای تاریخی دوران باستان در ایران دانست.

هشتم - شهر گندی شاپور

این شهر با وسعت ۱/۵ در ۳/۵ کیلومتری به شماره ۴۶ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است. گندیشاپور در حدود ۱۲ کیلومتری جنوب شرقی شهر دزفول و در حدفاصل شهرهای دزفول و شوشتر در محل فعلی روستای شاه آباد(سیاه منصور) واقع شده است.

ساخت گندیشاپور که با انگیزه اسکان هفتاد هزار اسیر رومی انجام گردید، در اندک زمانی به شهری بزرگ و مهم تبدیل گردید که با وجود دانشگاه و بیمارستان و صنایع نساجی در آن، شهرتی عالم‌گیر یافت. گندیشاپور به پاس دانشگاه پرآوازه‌اش به عنوان یکی از درخشانترین و شکوفاترین کانون‌های دانش و اندیشه در جهان آن عصر شناخته شده است. در این شهر یکی از بزرگترین بیمارستان‌های دنیا و بزرگترین مدرسه طب آن زمان فعالیت داشته است.

سیستم آبرسانی شهر نشان می‌دهد که آب شهر گندیشاپور و زمین‌های کشاورزی آن از طریق ایجاد تونل سیفونی شکل در کناربندی که در چهارده کیلومتری شهر ایجاد شده بود، تامین شده است.

شهر دارای هشت خیابان بوده که در جهات مختلف ادامه داشته و سنگ‌ها و استحکامات نیمه مدور و بقایای دیوارهایی به طول چهار کیلومتر و عرض دو کیلومتر تا چندسال قبل قابل رویت بوده است. طرح مربع - مستطیل که بوسیله دو خیابان اصلی شهر را به چهار بخش تقسیم کرده و چندین خیابان به موازات آنها با ترتیب کم و بیش معمولی وجود داشته است.

مقبره یعقوب لیث صفاری(رامدان پورماهک) سردار ایران دوست در این شهر قرار دارد.

در شرایط کنونی وضعیت این شهر باستانی به گونه‌ای است که تمامی این محدوده و محوطه باستانی به افراد محلی واگذار شده و این شهر باستانی زیر شخم کشاورزان نابود شده است.

نهم - شهر بیشاپور

بیشاپور به عنوان بیست و سومین اثر ثبت شده میراث جهانی یونسکو در سال ۱۳۹۷ معرفی شده است. شهر باستانی بیشاپور در فاصله ۲۳ کیلومتری شمال غرب شهر کازرون در استان فارس و در کنار رودخانه شاپور قرار دارد که توسط شاپور اول پسر اردشیر احداث شده است.

شهری که حدود دو کیلومتر طول و قریب یک کیلومتر عرض دارد و به صورت یک دژ سیاسی و نظامی شکل گرفته است. از مجموعه سطح ۱۵۵ هکتاری شهر حدود نیم هکتار آن مورد بررسی و کاوش قرار گرفته است. شهر تاریخی بیشاپور اولین شهر روزگار باستان است که دارای تاریخ شهرسازی مکتوب است و این تاریخ، سنگ نوشته‌ای است که با دخط اشکانی و ساسانی بر روی دو ستون موجود که در مرکز شهر واقع گردیده و تاریخ ساخت شهر با سال ۲۶۶ میلادی تطبیق داده شده است.

بقایای دیوار حفاظتی تمامی پیرامون شهر را محصور کرده و تا دامنه ارتفاعات معروف به قلعه دختر که به صورت دژ و قلعه نظامی و تدافعی مشرف بر شهر ساخته شده، کاملاً نمایان است. محله شاهی در قسمت شمال شرقی و آثاری از کارگاه‌های صنعتی همچون تنوره‌های آسیاب و کارگاه‌های ذوب در بخش جنوبی شهر به چشم می‌خورد. الگوبرداری فراوان این شهر از شهر استخر همچون ساخت معبد آناهیتا و مجاورت و تکیه شهر بر کوه مجاور برای دفاع و حفاظت و قرار داشتن در حاشیه رودخانه و حفر خندق و همچنین تقسیم‌بندی معابر و فضاهای داخلی شهر با الگوبرداری از شهر پارسه از مواردی است که شهرسازان این شهر از دیگر شهرهای باستانی در ساخت آن بهره برده‌اند.

جانمایی و محل انتخاب بی‌نظیر شهر بیشاپور از نظر جنبه‌های دفاعی بسیار قوی و وجود آب فراوان و

قرار گرفتن در مسیر راه‌های مهم و اصلی از مواردی است که برنامه‌ریزان و طراحان امروزی شهری، می‌بایست درس‌های فراوانی را از این شهر دوران باستان فرا گیرند.

مهندسی در دوران ایران باستان

ساخت تعداد فراوان شهر در دوران باستان بدون توجه و تامین زیرساخت‌های مورد نیاز ساکنین غیرممکن بوده است. با بررسی‌های انجام شده مشخص می‌گردد، فن مهندسی در آن زمان بسیار توسعه یافته بوده و آثار بجامانده گویای پیشرفت آنها در زمینه‌های مختلف به شرح ذیل می‌باشد؛ بخش‌های زیربنایی احداثی در شهرها و مناطق شامل:

- آموزش و بهداشت(دانشگاه، بیمارستان، کتابخانه، مدارس و...)
- صنعت(ذوب فلز و شیشه، ضرابخانه، آسیاب، ساخت سفال و آجر و...)
- حمل و نقل(راه‌ها، پل‌ها، شبکه پست، چاپارخانه و...)
- دفاعی و حفاظتی(قلعه‌ها، حصار، برج و بارو، خندق و...)
- تامین آب (سدها، کانال و بند، قنات و...)
- تجارت و بازرگانی(مرکز تبادل تجاری، بنادر و کشتیرانی و...)

کتابخانه

اولین اشارات در مورد کشف آتش و ذوب فلزات، پدید آمدن انواع حرفه‌ها و صنایع و علوم و فنی‌های چون اختراع خط و... را در قالب داستان‌هایی در کتاب فاخر شاهنامه فردوسی می‌توان یافت.

در مراکز علمی و درآشکده‌ها و قصرها، کتابخانه‌های فراوانی وجود داشته از جمله کتابخانه‌های معروف ایران در دوره هخامنشیان شامل کتابخانه، استخر، تخت جمشید، و در دوره اشکانیان از کتابخانه پسا(فسا) و توریان و تیسپون و از دوره ساسانیان کتابخانه اردشیر بابکان در تیسپون و کتابخانه گندی شاپور فقط نامی باقی مانده است.

یکی از بزرگترین کتابخانه‌های جهان در گندی شاپور بود که کتاب‌های گوناگون پزشکی و گیاه‌شناسی و دامپزشکی و داروسازی و کتاب‌های فلسفی و ریاضی به زبان‌های پهلوی و سریانی و یونانی و سانسکریت را داشته است. هنگامی که اسکندر مقدونی به کتابخانه‌ها و گنجینه‌های علمی ایران دست یافت، مهمترین آثار را به اسکندریه مصر منتقل نمود. این اتفاق در زمان حمله اعراب به کشورمان هم به صورت جدی تر رخ داده است. با نابودی کتاب‌ها و منابع موجود در تیسپون و گندیشاپور و استخر و... ما از شیوه کار مهندسان در ساخت شهرها و نحوه فعالیت آنها محروم شده‌ایم.

دانشگاه

انوشیروان پادشاه مقتدر ساسانی در شهر گندیشاپور دانشگاه و بیمارستان معروفی را تأسیس کرد. این دانشگاه افزون بر مدرسه پزشکی که استادان علوم پزشکی ایرانی و هندی و یونانی داشت، دانشجویان ملیت‌ها و ادیان مختلف را نیز بهره‌مند می‌ساخت و بیمارستانی نیز ضمیمه آن، بود.

صنایع

به اعتبار کاوش‌های علمی صورت گرفته در منطقه کرمان، در پنج هزار سال پیش از میلاد، ایرانیان از کار استخرج و ذوب فلز آگاهی داشته‌اند. مناطقی مانند شوش از نظر تاریخ اولیه فلز کاری از دیرباز شهرت داشته و آثاری از صنعت ذوب فلزات در آن ناحیه و همچنین شهرهای اردشیر خوره و دارابگرد و زرنگ و ... مربوط به دوران باستان به دست آمده است. باستان‌شناسان حوالی شهر تیسپون پیل الکتریکی را کشف نموده و این یافته نشان داده است که نزدیک به دو هزار سال قبل از «ولتا» باتری در ایران و در زمان اشکانیان ساخته شده است.

ادامه دارد



● شهرام تقی‌زاده انصاری

معرفی کتاب «قدرت پیامبر» (ص) اثر فرانچسکو گابریلی ۲/

نگاهی به تکوین اسلام



بار با کفار بجنگند.

در جنگ «بدر» با این که تعداد مسلمانان کم بود ولی توانست بر آنها فائق آید. او با این جنگ، هویت خود و پیروان خود را به دست آورد. سال بعد غزوه «احد» در گرفت که مسلمانان در آن موفقیت چندانی نداشتند و حتی بعضی از بهترین مبارزین آنها مثل حمزه عموی پیامبر جان خود را از دست دادند. مسأله مهمی که او بعداً مطرح کرد این است که اسلام با شمشیر پیشرفت نکرده است، آن طور که بسیاری از محققین عقیده دارند، چون می‌بینیم که پیامبر (ص) با آوردن قوانین لازم سعی کرد مسائل فرهنگی و اجتماعی را حل کند. او در تصمیمات خود از رأی خود استفاده می‌کرد و جامعه اسلامی نیز بر اساس گفتار و دستورات قرآن و او استوار شد یعنی حکومت اسلامی بنا بر دستورات قرآن و سنت پیامبر اداره می‌شد.

قوانینی مثل قوانین ازدواج و طلاق، جزاء، ارث در اسلام وجود داشت که خیلی پیشرفته و مترقی بود. سپس در مورد زنان متفاوت پیامبر صحبت می‌شود. با این که پیامبر دارای نیروی جنسی قوی بوده ولی معذالک بعضی ازدواج‌های او کاملاً جنبه سیاسی داشته است و می‌خواسته است که به این وسیله جامعه دچار چالش نشود. وی بالاخره به شرح بسیاری از جنگ‌ها و غزوات پیامبر می‌پردازد.

فوت پیامبر (ص): پیامبر بعد از مدتی، بیماری در کنار همسر جوانش عایشه در سال ۶۳۲ میلادی (ماه صفر یازدهم هجری) فوت کرد. به نظر این نویسنده او پیش از فوتش با اینکه شخصیت‌های مهمی مثل ابوبکر، عمر، ابو عبید، علی و خالد بن ولید پیش او حضور داشتند از جانشینی خود صحبتی نکرد. پس از فوت او در کنار مقبره او مسجد عظیمی ساخته شد به نام «مسجد مدینه». در پایان نویسنده از همه کارها و خدمات و خصوصیات پیامبر نتیجه می‌گیرد که او در شهر مدینه بسیار موفق بود و توانست مسلمانان را به عظمت و کرامت انسانی برساند، چون فقط یک رهبر مذهبی و اخلاقی نبود، بلکه ضمناً یک قانونگذار و یک سیاستمدار خوبی هم بود.

قرآن در تاریخ: نویسنده در مقدمه اشاره می‌کند که با نظر به افسانه‌هایی که در مورد محمد (ص) وجود دارد و واقعیت‌های تاریخی‌ای که می‌شناسیم، سرگذشت زندگانی او ابهاماتی دارد. به این دلیل بخصوص در قرون وسطی تصویر نادرستی

پیامبر اسلام در برابر سخنان کافران از خود دفاع می‌کرد، چون کافران عقیده داشتند او حکیم و شاعری بیش نیست و می‌خواهد عقاید آن‌ها را از آنها بگیرد. به‌خاطر این درگیری‌ها محمد (ص) سعی کرد راهی برای آشتی با آنها پیدا کند، ولی آیات قرآن چنان به‌دل بسیاری از آن‌ها نشست که عده‌ای از آن‌ها به دین اسلام گرویدند. عده‌ای مثل ابوبکر، عمر و عثمان نیز که از شخصیت‌های برجسته بودند، به اسلام گرویدند و حتی با پیامبر به‌مناسبت ازدواجش با عایشه دختر ابوبکر و حفصه دختر عمر خویشاوند شدند.

بالاخره نویسنده مسئله هجرت پیامبر از مکه به مدینه را در سال ۶۲۲ شرح می‌دهد: پیامبر دستور داد هر کسی که نمی‌تواند آزار اهالی را تحمل کند برود به شهر یثرب (مدینه). بزرگان قریش تصمیم گرفتند برای مشورت دور هم جمع شوند. بالاخره قرار شد از هر قبیله‌ای یک مرد با شمشیر قصد جان پیامبر را بکنند. آنها شبانه به پشت بام خانه پیامبر رفتند. ولی پیامبر همان شب تصمیم گرفته بود از مکه خارج شود. برای این کار تصمیم گرفت علی (ع) را به جای خود در تخت‌خواب بخواباند تا کسی متوجه نشود که او رفته است. بالاخره به این ترتیب علی (ع) نیز بعد از چند روز به مدینه رفت.

در پایان، نویسنده درباره تفکرات و انگیزه‌های اصلی پیامبر در دینش سخن می‌گوید: تبعیت انسان از دستورات خداوند، مسئولیت در برابر او. پیامبر برای پیاده کردن دستورات خداوند، مطیع او بود و علاوه بر رهبر مذهبی، حالا دیگر یک رهبر سیاسی و قانونگذار نیز شد.

فتح و پیروزی در مدینه: محمد (ص) نتوانست در مکه پیروزی لازم را به دست آورد و بر کفار غالب شود، ولی در شهر مدینه قدم به قدم به پیروزی رسید و وظایف الهی‌اش را به پایان رساند. او توانست با حل مشکلات و کنار زدن دشمنان در یک بازی سیاسی با گروه‌ها و احزاب مدینه به قدرت و پیروزی برسد. او ابتدا رهبر مذهبی مکان مهاجر بود، ولی بعداً قانونگذار و مرد سیاسی آن زمان مدینه شد. سپس اشاره می‌کند که چگونه و با چه هوش و ذکاوت و سیاستی پیامبر (ص) توانست وارد دستجات سیاسی و منافقین شود و با جنگ‌ها و غزوه‌های پیش آمده به پیروزی برسد.

معاهده صلح: اولین کاری که پیامبر کرد، معاهده صلحی است که با یهودیان بست، چون آنها به دستورات و اوامر او گوش نمی‌کردند، ولی چون اهل کتاب بودند با آنها از در آشتی درآمد. قبل از آنکه پیامبر به قدرت کامل برسد، به عنوان میانجی اقداماتی برای حل مشکلات سیاسی و اجتماعی می‌کرد با این که همگی از او اطاعت نمی‌کردند.

او و یاران مکه‌اش را با انصار آشتی داد و به این وسیله بسیاری از مسائل را حل کرد و با تماس با یهودیان توانست اصول دین را محکم سازد. او سعی داشت میان اسلام و مسیحیت و یهود وحدت برقرار کند با آن که عقاید او مخالف تثلیث و مسیح به عنوان فرزند خدا در دین مسیحیت بود. کار دیگر پیامبر عوض کردن قبله مسلمانان از شهر بیت‌المقدس به شهر مکه بود چون تا آن زمان مسلمانان به سمت بیت‌المقدس برای نماز می‌ایستادند.

نویسنده سعی می‌کند بیشتر درباره مسائل اجتماعی و عقیدتی مسلمانان سخن گوید. او می‌نویسد، پیامبر برای بازسازی اصول دین ابراهیمی که همان اصول دین اسلام است، مجبور شد چندین

بنیان‌گذار دین اسلام و مبتکر بوده است. بعد از او کتاب تاریخ قرآن نولد که چاپ می‌شود که از تحقیقات اساسی برخوردار است. سپس سیره ابن اسحق توسط ووستنفلد و وایل ترجمه می‌شود که زندگانی محمد (ص) را خیلی روش‌تر شرح می‌دهد. با استفاده از آن، اشپرنگر در دهه ۱۸۶۰ زندگی و آموزه‌های محمد (ص) را می‌نویسد. سپس در اواخر قرن نوزدهم زندگانی محمد توسط گریم و لامنس چاپ می‌شود که بیشتر سعی کرده است محمد را یک روشنفکر نشان دهد و نه یک مرد الهی. بوهل نیز اثر مهمی درباره زندگانی محمد (ص) نوشت و بعد از آن مونته‌گمری وات آثار مهمی در مورد محمد (ص) و اسلام به رشته تحریر درآورده است.

نویسنده بعد از شرح این کتاب می‌نویسد که در این اواخر، تصورات و مطالب بسیار مثبتی درباره محمد (ص) و اسلام ارائه شده است. اسقف لتر آندره که قبلاً درباره اسلام و محمد (ص) تحقیقاتی کرده بود، تازگی کتابی نوشته که در آن اشاره می‌کند که نمی‌توان مطالب قبل را با تحقیقات جدید در مورد محمد و اسلام مقایسه کرد. گودی نیز تحقیقات ارزنده‌ای کرده است. جدیدترین بیوگرافی‌ها متعلق است به پروفیسور حمیدالله، گادفری و موبینز. اما از همه مهم‌تر همان آثار مونته‌گمری وات است که بسیار دقیق‌تر و علمی‌تر برخورد کرده است.

ب- قضاوت جدید: نویسنده بالاخره از سیر تاریخی غرب نسبت به محمد نتیجه می‌گیرد که حالا تقریباً همه پذیرفته‌اند که محمد (ص) شخصی صادق بوده و به خدایش ایمان کامل داشته و رابط خدا و انسان بوسیله وحی بوده و دین او با ادیان توحیدی مشترکاتی دارد.

۵- اسلام و حکومت اسلامی

الهیات - نویسنده عقیده دارد که برای آنکه بتوان دلایل پیشرفت و توسعه دین اسلام را در جهان بخصوص در آسیا فهمید باید ابتدا بدانیم مبانی اعتقادی دینی آن‌ها چیست و دنیا و انسان را چگونه می‌بینند و اصول دین آن‌ها کدام است و سرّ تشکیل جامعه اسلامی چه بوده است و چگونه توانسته است در عرض دو قرن در اقصاء نقاط عالم منتشر شود. مهم‌ترین اصل دین اسلام این است که خدا یکی است و محمد (ص) پیامبر اوست. خدای اسلام قادر، رحیم، عادل، رازق و ... می‌باشد. الهیات اسلامی مخالف تثلیث و فرزند خدا بودن عیسی است ولی با الهیات یهودی چنین اختلاف بزرگی ندارد. مومن تحت رهبری خداوند خالق و قاضی مسلمان باید زگهواره تا گور تبعیت از دستورات خداوند و رسولش محمد (ص) بکند تا وارد بهشت شود.

سپس در مورد انواع و اقسام عبادات مثل نماز، روزه، زکات، حج، صدقات و ... توضیحات لازم داده می‌شود. در ادامه درباره سنت و فقه و روش تحقیق فهم مسائل شرعی صحبت می‌شود.

خلفا: به نظر نویسنده پیامبر قبل از فوتش کسی را برای جانشینی خود انتخاب نکرد. با اینکه گروه «انصار» می‌خواستند کاندید خود را به سر کار بیاورند ولی موفق نشدند و عمر عقیده داشت که باید جانشینی پیامبر طبق عرف قبیله قریش پیرترین آن یعنی ابوبکر باشد. مسئله تعیین خلیفه در اسلام مسئله‌ای بحث‌برانگیز در مغرب زمین بوده است و عده‌ای فکر می‌کردند تعیین آن شبیه تعیین پاپ در مسیحیت است.

خلیفه در اسلام نگهبان و محافظ دین می‌باشد و نه مروج و مفسر دین اسلام، در پایان در مورد زندگانی و حکومت خلفا دیگر عمر، عثمان و علی (ع) صحبت می‌شود. او می‌نویسد، علی خود را نماینده پیامبر اسلام می‌دانست چون از خانواده او بود و طبق گفتار پیامبر او می‌بایست رهبری امت اسلامی را در دست بگیرد. پیروان او را شیعه می‌نامند که در اقلیت بوده است.

ادامه دارد

از او در اروپا به چشم می‌خورد. در این بخش سعی شده است تصویرهای مختلف پیامبر در تاریخ شرح داده شود. قرآن و افسانه‌های موجود در آن زمان از محمد (ص) چهره‌ای با خصوصیات و فعالیت‌های مافوق طبیعی رسم می‌کند. مسئله معجزات او نیز مسأله‌ای است که او در تجارب ماوراء طبیعی‌اش با آنها مواجه شده است مثل دو نیم شدن ماه و سفر معراج او به آسمان.

الف - تحقیر در قرون وسطی: تصور قرون وسطی درباره محمد این بود که او قصد رقابت با دین مسیحیت دارد و دیگر اینکه احساس برادری با دین مسیحیت ندارد و مسیحیان اولین کمک‌دهندگان به دین اسلام بودند و گر نه اسلام بخودی خود دینی نیست و او در یک حالت روانی استثنایی قرار داشته است که از خود بی‌خود می‌شده است و گفتار بی‌معنی از خود بروز می‌داده است. تحقیر محمد (ص) در قرون وسطی بدلیل بی‌سوادی و خیالی‌بافی و نفرت کلامی بوده است.

به این دلیل است که آن موقع دین اسلام را دین شمشیر می‌نامیدند. در ادامه نویسنده می‌نویسد که این طرز تفکر در طی زمان تا حالا تغییر کرده است و دیگر به دین اسلام حمله نمی‌کنند و نقاط ضعف و نقاط مثبت را مطرح می‌کنند. ولی برای قرون وسطی لاتین، محمد (ص) به عنوان یک پیامبر کاذب مطرح بود که مروج کفر بوده و هدفش تخریب وحدت کلیساست.

ب - ارزشیابی در عصر حاضر: در عصر روشنگری آشنایی غربیان با اسلام بیشتر شد و آن‌ها سعی می‌کردند قضاوت منصفانه‌ای ارائه دهند. در نیمه اول قرن هجدهم عده‌ای دین اسلام را بهتر از دین مسیحیت ارزیابی می‌کردند. سپس سیر تاریخی کتب درباره محمد (ص) و مترجم‌های قرآن ارائه شد: در سال ۱۷۲۰ یولن ویلر بیوگرافی محمد (ص) را نوشت و در سال ۱۷۳۴ ترجمه قرآن جرج سیل چاپ شد. هر دو صحبت از محمد (ص) می‌کردند و می‌گفتند او یک حکیم قانونگذار است و مذهبش با عقل مطابقت دارد. سپس ساواری فرانسوی ترجمه‌ای از قرآن ارائه می‌دهد.

بعد ولتر تراژدی محمد (ص) را نوشت که در آن انتقاداتی به محمد (ص) داشت. بعد زندگی‌نامه کارل لایل چاپ شد که از پیامبر دفاع می‌کند و او را فردی جدی و قهرمان می‌داند و عقیده دارد او

امروز در تاریخ

انتقال یا تخت به نیشاپور

۲۱ آگوست سال ۴۲۱ میلادی (۳۰۱ هجری قمری) زادروز
دوم شاه وقت ایران از سلسله ساسانی تصمیم گرفت که برای
نزدیک بودن به شمال خاوری کشور و جلوگیری از ورود
بایمانده ها به فرارود بخش شمال شرقی خراسان
بزرگتری موقتاً پایتخت را از تیسفون به نیشابور منتقل کند.
شهرهای بزرگ و معروف دیگر خراسان وقت عبارت بودند از
مشهد، قند، بخارا، مرو، خجند، بلخ و هرات.

رساندن خبر گشته شدن ماگان کاکی با کبوتر نامه بر

شمال کشور حکومت داشت ۲۱ آگوست سال ۹۴۰ میلادی (۳۲۹ هجری قمری) در جنگ با افراد سردار دیگر ایرانی از سامانیان کشته شد و خبر کشته شدن او بوسیله کبوتر نامه بر به نصیر سامانی در بخارا رسانده شد.

۲ وعده مشاهه شاه با فاصله ۲۵ سال از هم

محمدرضا شاه پهلوی که پس از شکست سر مرحله نخست برنامه براندازی حکومت دکتر مصدق در ۲۵ مرداد ۱۳۳۲، به عراق و سپس ایتالیا فرار کرده بود ۲۱ اگوست ۱۹۵۳، دو روز پس از انجام کشتای ۴۸ آمراد در پیگیری که از رُم فرستاده بود و از رادیو بی بی تهران انتشار داده شده بود و عده دیگری داد و وی این قول را که به آن عمل نکرد در ۲۵ سال بعد در نقطه ای با هاف ارام کردن مردم تکرار کرد و گفت که فقط اوست که می تواند در کشور دمکراسی برقرار کند، نظاهرات از این دسب به ده دمکراسی نهی نمی شود، که دیگر کسی به حرف او توجه نکرد.

بازداشت و تصفیه دری موفقیت بر اندازی

۳۰ مرداد ۱۹۵۳ اعلام شد که بازداشت هواداران دکتر مصدق و مقامات منصوب از جانب او در برابر کشور ادامه دارد و تا بامداد این روز بیش از دویست تن بازداشت شده اند. و بسیاری از مقامات دولتی برکنار شده و تصفیه ادارات ادامه خواهد داشت. پس از اجرا شدن برنامه براندازی، بسیاری از مقامات نیز خود کناره گیری کرده بودند از جمله الهیار صالح از سفیر سابق ایران در آمریکا.

ز دو خور دهندوها و مسلمانان با ۳ هزار گشته

۲۱ اگوست ۱۹۴۶، پس از سه روز زد و خورد میان هندوها و مسلمانان هند در کلکته اعلام شد که بیش از سه هزار تن کشته شده‌اند. نزاع برای این بود که هندوگستان از متوجه جی کنند که اگر در صدد دادن استقلال به هندوستان است وضع هر چه بدتر می‌شود. در ابتدا از هم در نظر بگیرد. به باور برخی از مورخان، اشاره لندن هم در ایجاد بر خورد خونین ۲۱ اگوست هند دخیل بود زیرا که سیاست دولت انگلستان بر پایه تقسیم هندوستان قرار داشت.

www.iranianshistoryonthisday.com

قَابِ امروز



سندج- نهمین جشنواره بین المللی دف نوای رحمت/عکس از: سید مصطفی خضر انبان

سرایه

در عالمی که با خود رنگی نبود ما را

بودیم هر چه بودیم او وانمود ما را

مرآت معنی ما چون سایه داشت زنگی

خورشید التفاتش از ما زدود ما را

برواز فطرت ما، در دام بال می‌زد

آزاد کرد فضلش، از هر قیود ما را

اعداد ما تهی کرد چندان که صفر گشتیم

از خویش کاست اما بر ما فزود ما را

بیدل دهلوی

۵۰۵۴ جدول شرح در متن

غلامحسین باغبان

کنایه از تسلیم شدن	آگهی تبلیغاتی	چیدن محصول	کننده کاری	بازتاب	شهر سازمان
سی		فوری	دریغ و حسرت	سد خورستان	ملل
پیامبری در کام ماهی			نام پتی در جاهلیت ضرر و خسارت		
	توله سگ شکاری			نامی دخترانه	و
	مرسوم				
مادر به زبان محلی	تیرگی				
مرز بی پایان	کلاغ				
د			پایتخت نروژ		
			پاداش فراوان		
پوست پیرا				برابر	
خاک دلبران					
شیشه شکوه			شکاف		
آغوش جاری					
لیکن					
کبد					
نفحه و آهنگ					
مشهور					
بازی پایانی					

سودو کو

۲۵۴۱

	۳			۵	۶		
							۵
۹	۷			۲		۳	
۸	۴				۷		۱
	۹		۸	۱		۲	
۵		۱				۴	۹
	۸		۷			۹	۶
۳							
		۷	۱			۸	

᠑	᠒	᠓	᠔	᠕	᠖	᠗	᠘	᠙
᠑᠐	᠑᠑	᠑᠒	᠑᠓	᠑᠔	᠑᠕	᠑᠖	᠑᠗	᠑᠘
᠑᠙	᠒᠐	᠒᠑	᠒᠒	᠒᠓	᠒᠔	᠒᠕	᠒᠖	᠒᠗
᠒᠘	᠒᠙	᠓᠐	᠓᠑	᠓᠒	᠓᠓	᠓᠔	᠓᠕	᠓᠖
᠓᠗	᠓᠘	᠓᠙	᠔᠐	᠔᠑	᠔᠒	᠔᠓	᠔᠔	᠔᠕
᠔᠖	᠔᠗	᠔᠘	᠔᠙	᠕᠐	᠕᠑	᠕᠒	᠕᠓	᠕᠔
᠕᠕	᠕᠖	᠕᠗	᠕᠘	᠕᠙	᠖᠐	᠖᠑	᠖᠒	᠖᠓
᠖᠔	᠖᠕	᠖᠖	᠖᠗	᠖᠘	᠖᠙	᠗᠐	᠗᠑	᠗᠒
᠗᠓	᠗᠔	᠗᠕	᠗᠖	᠗᠗	᠗᠘	᠗᠙	᠘᠐	᠘᠑
᠘᠒	᠘᠓	᠘᠔	᠘᠕	᠘᠖	᠘᠗	᠘᠘	᠘᠙	᠙᠐
᠙᠑	᠙᠒	᠙᠓	᠙᠔	᠙᠕	᠙᠖	᠙᠗	᠙᠘	᠙᠙

حل ۲۵۴۰